

هدایة السبیل

شرح منازل میان تهران تا شیراز

(از سال ۱۳۰۹ ق)

تألیف: محمدعلی میرزای منشی
(نایب وزارت علوم)
به کوشش: رسول جعفریان

هدف نگارش این رساله

این رساله به هدف تبیین منازل میان تهران تا شیراز نگاشته شده و هدف آن ارائه گزارشی از تعیین منازل این مسیر، موقعیت راه‌ها برای استفاده از کالسکه و عژاده، شرحی از آب و هوای منازل و امکانات آن برای استفاده از اردوهای بزرگ است. امکانات مورد نظر، از قبیل محل اسکان و تهیه آب و آذوقه برای استراحت افراد یک کاروان بزرگ در میان منزل‌های مابین شهرهاست.

مسیر اصلی مورد نظر راه تهران - شیراز است که شرح آن در بخش نخست آمده است. اما در بخش دیگری راه شیراز تا برخی از شهرهای مهم مورد بحث قرار گرفته و منازل تک تک مابین آنها معرفی شده است. تعیین فاصله، از نکات اصلی است، چنان که توضیح آب و هوا و نیز وجود عمارات و داکین و کاروانسراها در ادامه درباره هر شهر آمده است.

این دانش که باید از آن با عنوان «منازل نامه» یاد کرد، در ایران چندان سابقه ندارد. بخشی از آن میراث دانش جغرافی کهن اسلامی و بخشی نشأت گرفته از علم سفرنامه از نوع ترکیبی سنتی - فرنگی است که در دوره قاجار پدید آمد و به طور کلی باید گفت، دانشی است که در قرون اخیر در عثمانی بیش از ایران تجربه شده بود. جز این که در ایران معیار طی راه، فرسخ اما در عثمانی ساعت است.

این رساله که به توصیه رکن الدوله حاکم فارس در وقت رفتن به شیراز در سال ۱۳۰۹ و در همراهی با

او فراهم آمده است، فواید حاشیه‌ای فراوانی دارد که جالب توجه است. یکی از بهترین این موارد، توضیحاتی است درباره برخی از اماکن تاریخی آمده و نمونه‌ای از کتیبه‌های موجود در آن اماکن درج شده است. از جمله مفصل‌ترین آنها درباره مسجد نطنز است. شماری از اماکن دیگر به خصوص آثاری از دوره زندیه و قاجاری مورد توجه وی قرار گرفته است.

در این زمینه نکته بلکه نکات شگفتی را می‌توان ملاحظه کرد. بیشتر کاروانسراهای برجای مانده از دوره صفوی است؛ و اگر در دوره قاجاری کاری صورت گرفته، بیشتر تعمیر و نه تأسیس است. این نوشته، به خوبی می‌تواند نشان دهد که تمدن اخیر ایرانی، روی دوش صفویه است و قاجاریه سهم جدی در آن ندارند. درباره یکی از کاروانسراها که معروف به کاروانسرای مادر شاه است می‌نویسد: «می‌گویند والده شاه عباس ثانی ساخته است. بنایی بس عالی و محکم و مطبوع و ممتاز است و حجاری‌های مرغوب دارد. از تمام رباط‌های عهد صفویه که در خطوط راه‌ها ساخته‌اند و دیده شده است، سمت برتری و رجحان دارد، با این که قطعا از دویست سال متجاوز ساخته شده، آجری یا پارچه سنگی از آن نیفتاده است و سنگ فرش صحن آن پست و بلند نشده. امروز اگر فقط به رفتن و آب زدن پاکیزه‌اش کنند، بیننده گمان می‌کند ده سال بیشتر نیست ساخته شده».

درباره شیراز هم، اطلاع این رساله نشان می‌دهد که آنچه بنای تاریخی در این شهر بوده، از دوره زندیه است و کاری از قاجاریه صورت نگرفته به جز چند باغ تفریحی که از آنها یاد کرده است. رساله حاضر اطلاعات خوبی درباره باغات شیراز دارد و از این جهت ممتاز است. وی در خاتمه رساله، بحث را به بیان اماکن تاریخی شیراز اختصاص داده و از این که دانش جغرافیا در میان مردم شیراز کم بوده است، آن را عامل اصلی ناشناخته ماندن برخی از کتیبه‌ها و آثار تاریخی می‌داند. وی می‌نویسد: «اهالی فارس با این که در هر عصر ارباب فضل و ادب در این خاک بوده است، اعتنایی به ضبط تواریخ و علم جغرافیا نداشته‌اند، چنان که از طبقات چند از سلاطین که در فارس به استقلال سلطنت کرده‌اند و مخصوصا شیراز کرسی آنها بوده است، در شیراز علامت و آثاری جز آب رکناباد و آب زنگی نیست. اگر بعضی خرابه‌های کهنه هم در شیراز باشد، کسی نمی‌داند چه بوده است و تاریخ و علامتی بر آن باقی نگذاشته‌اند که از آن چیزی معلوم شود».

بر اساس اطلاعاتی که وی در این بخش به دست داده است، می‌توان با عمق خدمات کریم‌خان زند آشنا شد. زمان نگارش رساله ما یک صد سال پس از تأسیس سلسله قاجاری است، و آنچه این رساله در شیراز ساخته، جز تعمیر برخی از بناهای کریم‌خانی یا ایجاد برخی از باغات تفریحی، چیز دیگری نیست. این مانند همان وضعی است که در مقایسه میان کاروانسراهای صفوی با آنچه در این باره از قاجار مانده و تقریبا هیچ است، می‌توان دریافت.

برخی از مطالب مؤلف در این کتاب، مربوط به مسائلی است که اختصاصا ارتباط با وضعیتی دارد که این مسیر و منازل در سال ۱۳۰۹ و حوالی آن داشته و از این جهت بسیار مغتنم است. وضعیت حالیه برخی از آثار تاریخی، وضعیت ملکی برخی از روستاها و نیز چگونگی خرابی یا اصلاح راه‌ها از آن جمله است. این که برای مثال صاحب دیوان یا قوام الملک یا پزشک ناصرالدین شاه یا دیگران چه روستاهایی داشته‌اند، می‌تواند حاوی نکات تازه‌ای باشد.

درباره نام و مؤلف کتاب

در متن کتاب نام مؤلف نیامده است، اما در پایان رساله توضیحی آمده است که هم مؤلف را شناسانده و هم تاریخ تألیف را گزارش کرده است. بر اساس آن یادداشت، نوشته حاضر به انشای میرزا محمد علی منشی نایب وزارت علوم است که آن را در سال ۱۳۰۹ آغاز زمان ولایت رکن الدوله حاکم فارس نوشته و این زمانی بوده که همراه وی از تهران تا شیراز آمده است. بر اساس همان یادداشت، شخصی با قلمی به رنگ متفاوت بر بالای صفحه نخست رساله نوشته است: کتاب هدایه السبیل به قلم و انشای محمد علی منشی نایب وزارت علوم که در سنه هزار و سیصد و نه هجری برای شاهزاده رکن الدوله فرمانفرمای مملکت فارس نوشته. تا این تاریخ پنجاه و هفت سال تمام است که این وجیزه نوشته شده. بنابراین این یادداشت باید سال ۱۳۶۶ ق نوشته شده باشد. گفتنی است که نسخه مزبور در سال ۱۳۷۹ ق به کتابخانه علامه امینی در نجف منتقل شده است.

بیفزاییم که رکن الدوله (که این رساله به نام وی نوشته شده) برادر صلیب ناصرالدین شاه قاجار است که در سال ۱۳۰۹ برای یک سال حاکم فارس بود و سپس نظام السلطنه حاکم آنجا شد، اما وی نیز یکسال بعد استعفا داده و دوباره رکن الدوله حاکم فارس شد که این بار تا سال ۱۳۱۳ ق حکومت آن دیار را داشت. درباره تصمیم ناصرالدین شاه به عزل وی پس از هفت ماه که از نصب او در سال ۱۳۰۹ گذشت، و این که کس دیگری حاضر شده بود پیشکش بیشتری به شاه بدهد، و این که انیس الدوله سوگلی شاه واسطه شد، حکایت جالبی را بامداد نقل کرده است.^۱ شاه سخن انیس الدوله را پذیرفت و چند ماه دیگر او را تحمل کرد تا نظام السلطنه آمد و پس از استعفای وی، همان طور که گفته آمد، دوباره رکن الدوله تا ۱۳۱۳ در امارت ماند.

اثری دیگر از محمدعلی منشی

این محمدعلی منشی از همراهان رکن الدوله در سفر سرخس وی به سال ۱۲۹۹ بوده و سفرنامه‌ای با نام سفرنامه خراسان از وی به شماره ۵۹۳۴ در کتابخانه مجلس برجای مانده است. در آغاز آن سفرنامه آمده است: روزنامه سفر نواب مستطاب اشرف امجد والا شاهزاده رکن الدوله فرمانفرمای مملکت خراسان و سیستان - دام اقباله العالی - بسرخس از دویم شهر رجب ۱۲۹۹ مطابق یونیت ثیل لغایت نوزدهم شهر شعبان المعظم ایضا ۱۲۹۹.

این همان سفرنامه ای است به که نام سفرنامه سرخس توسط استاد محمد گلبن چاپ شده است.^۲ ایشان در مقدمه‌ای که نوشته اند محمدعلی منشی را نشناخته و آورده‌اند: نویسنده سفرنامه شناخته نشد. تنها اطلاعی که از او در دست داریم، در آغاز سفرنامه نوشته ضمن معرفی همراهان رکن الدوله به سرخس، از

۱. شرح حال رجال ایران، ج ۳، ص ۳۱۵

۲. تهران، انتشارات سحر، ۱۳۵۶ش

خود به عنوان محمدعلی منشی نایب وزارت علوم یاد کرده است.^۱ به نظرم لازم بوده است تا آقای گلبن نام محمدعلی منشی را روی کتاب سفرنامه رکن الدوله می‌آوردند.

یک نکته دیگر را باید اضافه کنم. سفرنامه شیراز که تقریباً شبیه باب دوم رساله ماست، از میرزا محمد حسن مهندس قاجار است که نسخه ای از آن در کتابخانه مجلس به شماره ۹۹۳۵ موجود است. این رساله در مجله وحید سال هفتم، (۱۳۴۸) صص ۳۴۷ - ۳۵۳ چاپ شده است. اما متأسفانه از هیجده منزل، فقط چهار منزل آن چاپ شده است.

نسخه کتاب

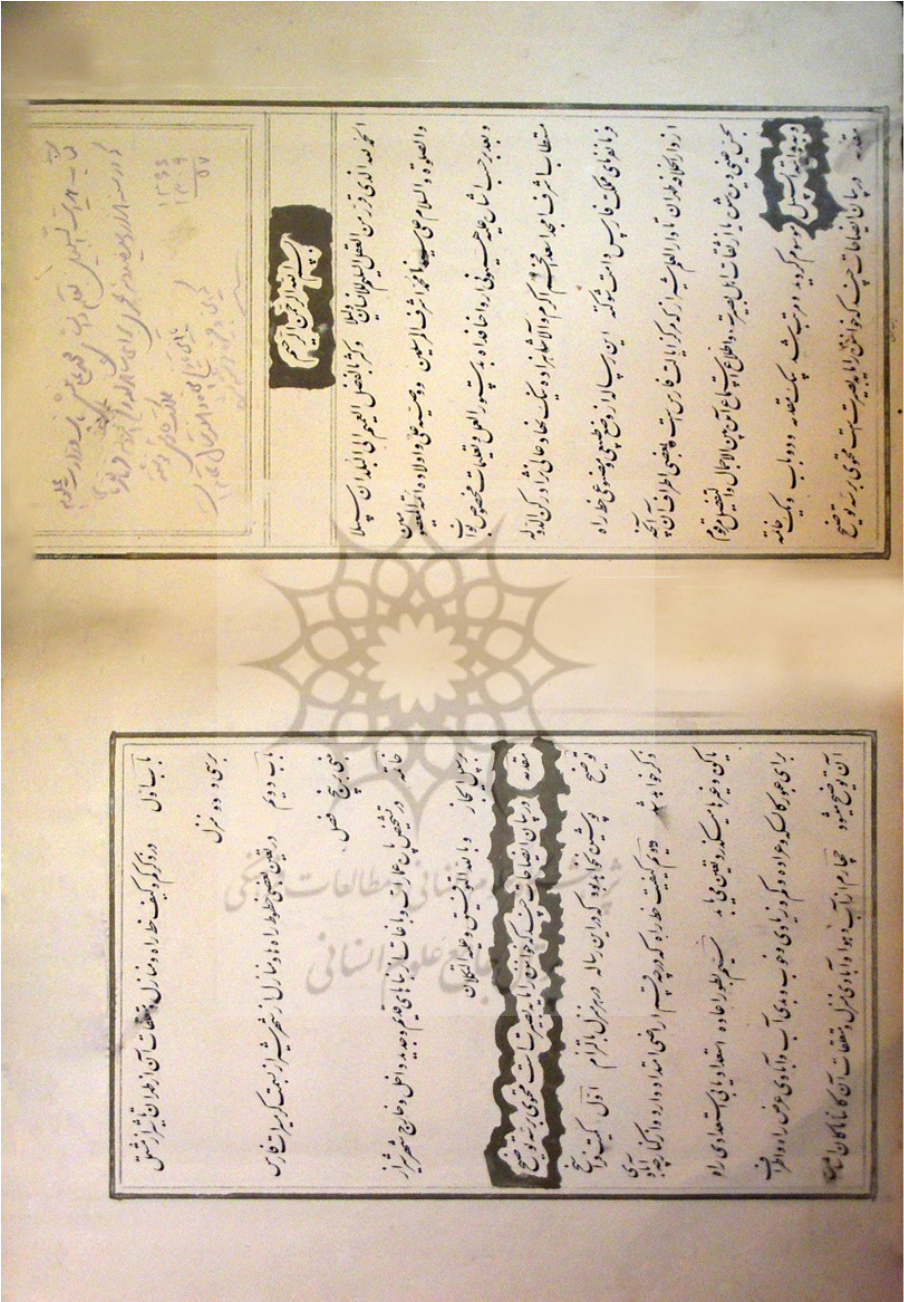
در ایام نوروز سال ۱۳۸۹ یک سفر زیارتی به عتبات عالیات داشتم. در این سفر دیداری از کتابخانه مرحوم علامه امینی داشتم. سراغ نسخ خطی فارسی آنجا را گرفتم که بسیاری از آنها از ایران به نجف منتقل شده است. بنده به مجموعه‌ای راهنمایی کردند. گشتی در آنها زدم. در آن میان چند رساله توجهم را جلب کرد که یکی هم همین رساله در ۸۸ صفحه بود. تصویر آن را درخواست کردم که چند ماه بعد توسط شیخی از خاندان خراسان به دستم رسید. به ذریعه (۱۷۷/۲۵) مراجعه کردم، دیدم مرحوم آقابزرگ همین نسخ را ملاحظه کرده، یادی از آن کرده‌اند. احمد منزوی هم در فهرستواره (۱۵۷/۱) در سفرنامه‌ها از آن یاد کرده و صرفاً همان نسخه را شناسانده است. تصور می‌کردم مصحح فارسنامه ناصری در جایی آن را ملاحظه کرده باشد که چنین نبود.

با این حال نسخه دیگری از آن یافت شد که متعلق به کتابخانه ملک است و در مجلد سوم ص ۴۶۳ به شماره ۳۷۶۹ و با نام سفرنامه شیراز معرفی شده است. در آنجا نام مولف محمد تقی میرزای رکن الدوله آمده است.

به رغم شلوغی کاریم در این روزها، فرصتی به دست آمد تا رساله مزبور را بر اساس نسخه کتابخانه علامه امینی رونویسی کرده خدمت دوستداران تقدیم کنم. یادآور شوم که شماره برگ نسخه در متن، در کروش، آمده است.

(و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین. قم، صبحگاه ۱۳ رجب ۱۴۳۱).

۱. سفرنامه رکن الدوله، ص ۵.



[مقدمه مؤلف]

الحمد لله الذي قرّر من العقل السليم للانسان دليلاً، و كثر بالفضل العميم الى البلدان سييلا، و الصلاة والسلام على سيدنا محمد أشرف المرسلين، و وصيه عليّ و أولاده ائمة المعصومين.

و بعد: بر حسب اشاره عليه همامی - ارواحنا فداه - بدستور العمل و تعليمات مخصوص نواب مستطاب اشرف امجد اسعد افخم اکرم والا شاهزاده نیک نهاد عالی نژاد رکن الدوله فرمانفرمای مملکت فارس - دامت شوکت - این رساله از وضع طبیعی و مصنوعی خط راه از دارالخلافه طهران تا دارالعلم شیراز که مرکز ایالت فارس است، بعضی اطراف آن آنچه به حسّ عینی دیده شده یا از ثقات اهل بصیرت و اطلاع، استماع آمده، بین الاجمال و التفصیل مرقوم، و به هدایة السبیل موسوم گردید.

و مرتب شد به یک مقدمه، دو باب، و یک خاتمه.

مقدمه در بیان ایضاحات چند که خواننده را مایه بصیرت است، محتوی بر سه توضیح.

باب اول: در ذکر کم و کیف خط راه و منازل و متعلقات آن از طهران تا شیراز بر سی و دو منزل.

باب دوم: در تعیین بعضی خطوط راهها و منازل از شهر شیراز به سمت گرمسیرات فارس مبنی بر پنج فصل.

خاتمه: در تشخیص پاره‌ای عمارات و باغات از بناهای قدیم و جدید داخل و خارج شهر شیراز بر سیبل ایجاز.

و بالله التوفیق و علیه التکلان.

مقدمه

در بیان ایضاحات چند که خواننده را مایه بصیرت است

محتوی بر سه توضیح:

توضیح ۱: پوشیده نخواهد بود که در این رساله در هر منزل به التزام، اول کمیت فراسخ ذکر خواهد شد، دوم کیفیت خط راه که در چه قسم اراضی امتداد دارد، و از کنار چه آبادی یا کوه و غیره‌ها می‌گذرد و تعیین می‌یابد، سیم به طور اعاده استعداد یابی استعدادی راه برای عبور کالسکه و عرّاده و کم و زیادی و خوب و بدی آب و آبادی عرض راه و اطراف آن توضیح می‌شود. چهارم از آب و هوا و آبادی منزل و متعلقات آن، کائناً ما کان، اشاره خواهد [۴] شد، پنجم لیاقت یا نالایقی نیمه راه برای توقف یک شب اردوهای بزرگ، آنچه باشد، تصریح خواهد یافت.

توضیح ۲: خط راه از طهران به شیراز کلیتاً از شمال به جنوب ممتد است، ولی به جهت ممانعت کوه و مصالح طبیعی دیگر، در بعضی منازل این خط به طرف جنوب شرقی یا غربی نیز امتداد یافته است. چون آن قدر مهم نبود که در این رساله به تحقیق منزل به منزل تعیین شود، از جزئیات آن صرف نظر شده.

توضیح ۳: فراسخی که در این رساله نوشته شده از روی معمول عرفی و چاپارخانه‌ها است.

باب اول

در ذکر کم و کیف خط راه و منازل و متعلقات آن از طهران تا شیراز مشمول بر سی و دو منزل

منزل اول: حسن آباد

و مسافت شش فرسخ است. خط راه ابتدا شده از جلگه طهران و خیابانی است مشجر احدائی این عهد ابد مهد در یک فرسخی از کنار زاویه مقدّسه حضرت عبدالعظیم - علیه آلاف التحية و التسليم - گذشته، به راه ساخته که نیز از بناهای این عهد همایون است پیوسته، در سه فرسخی از کنار آبادی‌های کهریزک ممتد گردیده، در چهار فرسخی به میان پست و بلندی‌های کوه کناره کرد داخل شده، در پنج فرسخی به جلگه کناره کرد رسیده، و ربع فرسخی حسن آباد با رود کناره کرد که پلی محکم بر آن بسته شده تقاطع کرده، به منزل رسیده است. این راه، فرسخ اول سه رشته است: راه آهن احدائی جدید، و راه مسبوق الذکر، و راه مسطح طبیعی. باقی راه تا حسن آباد راه ساخته است که به اصطلاح اهل اروپا، شسه می‌گویند و مرحوم امین السلطان اول - اعلی الله مقامه - بحکم دولت این راه را احداث نموده است و جناب مستطاب اجل اشرف افخم امین السلطان وزیر اعظم دولت علیه - دامت شوکته - بر آبادی آن افزوده و کمپانی صاحب امتیاز راه شسه نیز بعضی اصلاحات در آن کرده، از راه‌های نامی شمرده می‌شود و در همه جای آن کالسکه و عرّاده‌های متعدّد به سهولت حرکت می‌کند، و از کمال اشتهار مستغنی از توصیف است. در دو طرف راه آب و آبادی و مزارع بسیار است.

حسن آباد هوایی معتدل و آبی گوارا و کاروانسرای بزرگ و باغچه کوچک دارد که حاجی محمد حسن امین الضرب بنا کرده و به حسن آباد موسوم گردیده است، و به فاصله [۶] قلیلی میهمانخانه عالی در کنار راه ساخته شده. پایین کاروانسرا و میهمانخانه چمنی است لایق و مستعد منزلگاه اردو و آذوقه و علیق هم در آنجا مهیا و آماده است.

اردوی بزرگ هرگاه به رعایت دواب پیش خانه و پس خانه نخواهد، تمام مسافت این منزل را یک روزه طی کند. قریه کهریزک در نیمه راه واقع است. برای توقف یک شب لیاقت دارد.

منزل دوم: علی آباد

و مسافت هشت فرسخ است. خط راه در جلگه امتداد یافته. در یک فرسخی با رودخانه شور که پلی بزرگ و محکم بر آن بسته شده تقاطع کرده. در چهار فرسخی از کنار میهمانخانه عالی بنا گذشته، به طرف منزل امتداد دارد. این منزل را بعضی از قوافل و کاروانیان از راه صدرآباد خرابه که قدری از آن راه قدیم است و باقی جدیداً احداث شده، به جهت این که فی الجمله نزدیک تر ست، گاهی اختیار می‌کنند. لیکن شارع عام همان راه ساخته است که رشته راه شسه مسبوق الذکر است و در همه جای آن عرّاده و کالسکه متعدّد بخوبی می‌گذرد. در فرسخ آخر آن راه دریای ساوه که بعد از یک هزار و سیصد و پنجاه

سال خشکی مجدداً تشکیل یافته است به بعضی بلندی‌های عرض راه دیدار می‌دهد. علی‌آباد جدید الاحداث و در نهایت آبادی و اعتبار و معتدل الهواست. مهمانخانه پرفصا و باغی دلگشا و کاروانسرای با فضا دارد. مهمانخانه‌اش از زیبایی ابنیه عالیه و انهار جاریه و بیدستان مطلوب و گلستان مرغوب و دریاچه پاک و نظیف و حمام پاکیزه و ظریف با قصور فردوس دعوی برابری دارد، و باغش از دارایی‌های خیابانهای پر سایه مسطح، و ایوانهای بلند پایه منقح و گل و اشجار و فاکهه و اثمار و جداول آب و منازل خواب با باغ ارم دم از همسری می‌زند و عمارات این منزل، حجاری‌های ممتاز مرغوب زیاد دارد و یکی از امکنه با صفا و خوش سیمای ایران است. بی اغراق منشیانه، آن قدر جای لایقی است که شایسته است شخص بی ضرورت مسافرت فقط برای تفریح و سیاحت از طهران و قم به این نقطه آمده، شبی چند راحت و سیاحت کرده مراجعت کند. برای اردوی بزرگ که دارای پیش‌خانه و پس‌خانه و آغروک باشد، طی تمام مسافت [۸] این منزل، قدری مشکل است. در مهمانخانه ما بین حسن آباد و علی‌آباد که خالی از استعداد نیست، توقف یک شب ممکن است تا بر دواب بارکش اردو سخت نباشد.

منزل سوم: منظریه

و مسافت پنج فرسخ است. خط راه در جلگه است. در یک فرسخی از کنار مهمانخانه و باغچه مسمی به کاخ نصرت و مزرعه متعلق به آن ممتد است، و سه فرسخ دیگر به یک خط مستقیم امتداد یافته و فرسخ پنجم در پست و بلندی‌های سهل العبور ممتد شده. نیم فرسخ به منزل مانده، از کنار مزرعه باقر آباد جدید الاحداث که قنات آب و کاروانسرای کوچک دارد امتداد یافته، به منزل رسیده است. تمام راه رشته همان راه شسه مسبوق الذکر است و معبر کالسکه و عزاده‌های متعدد مهمانخانه کاخ نصرت در ساحل دریای جدید الاحداث ساوه، و ربع فرسخ به دریا فاصله دارد و تمام سطح دریای مزبور منظر این مهمانخانه و جلوه و نمایش فرح بخش نشاط انگیزی دارد. در واقع این عمارت برای مسمی شدن به منظریه، سزاوارتر از شوش کرد است که به این نام موسوم گردیده، زیرا که منظری به نهایت خوش دارد. دو فرسخ از این راه در نزدیکی دریای مزبور مستقیم طی می‌شود و همه جا دریا چشم‌انداز عابرین و مترددین است.

مزرعه باقرآباد، احداثی و ملکی باقرخان سعد السلطنه است. منظریه هوایش به گرمی مایل و دارای مهمانخانه عالی و کاروانسرای کافی است. دو آب انبار نیز در آن ساخته شده. آب جاری قلیل و متوسطی هم دارد برای اردوی بزرگ، کم آب است و می‌باید قبل از وقت، آب انبارهای آن مملو شود که هنگام ورود اردو از کم آبی بر اهل اردو تلخ نگذرد. اردوی بزرگ ناچار این منزل را یک روزه باید طی کند، زیرا که ما بین راه جایی لایق توقف ندارد و مسافت هم آن قدر زیاد نیست که به میان منزل احتیاج افتد.

منزل چهارم: شهر قم

و مسافت چهار فرسخ است. خط راه همان راه شسه مسبوق الذکر و در جلگه است و در یک فرسخی و

نیمی با رود عظیم که پلی در کمال امتیاز و استحکام از سنگ‌های تراشیده بر آن بسته شده، تقاطع کرده و در دو فرسخی از کنار قهوه‌خانه غیر قابل، که آب چاه دارد در سه فرسخی از کنار قهوه‌خانه دیگر امتداد یافته. فرسخ چهارم از میان املاک قم ممتد شده، به منزل رسیده است. نیم فرسخ از این راه کویر است، لیکن [۱۰] بواسطه سنگ بندی و تدابیر دیگر که کرده‌اند، سهل العبور شده است و در سر هر فرسخی آب رود و یا چاه موجود است. در یک فرسخ آخر منزل زراعت و آب در دو طرف آن بسیار است. شهر قم به برکت مزار فیض آثار حضرت فاطمه - علیها السلام - در کمال آبادی و رونق و مستغنی از توصیف است. اردوی بزرگ، این منزل را هم یک روزه باید طی کند، زیرا که محتاج به توقف ما بین راه نیست و مسافت قلیل است.

منزل پنجم: پاسنگان

و مسافت پنج فرسخ است. خط راه در جلگه است و تا یک فرسخ از میان زراعت‌های قم امتداد دارد. و در دو فرسخ و نیمی از کنار باغستان قریه لنگرود گذشته، و به دامنه کوه‌های لنگرود نزدیک شده تا منزل از دامنه امتداد یافته است. تمام راه شسه طبیعی است. عندالضروه اگر چند پل موقتی کوچک بر نه‌های زراعتی قم برای عبور کالسکه و عراده بسته شود، به نهایت سهل العبور است. قریه لنگرود از دهات معتبر قم و در سمت راست جاده بالای بلندی واقع شده و قلیل فاصله به راه دارد. پاسنگان، هوای معتدل دارد و آبادی آن منحصر است به یک کاروانسرا و یک چاپارخانه و یک آب انبار. آب جاری گوارایی هم دارد. از حیثیت مکان و آذوقه کم استعداد است. ناچار هنگام ورود اردو، آذوقه از لنگرود و غیره باید به اینجا آورده شود. اردوی بزرگ این منزل را یک روزه به واسطه نزدیکی می‌تواند طی نمود و احتیاج به میان منزل ندارد و در صورتی که احتیاج افتد، قریه لنگرود برای میان منزل استعداد تمام دارد.

منزل ششم: سن سن

و مسافت شش فرسخ است. خط راه تا دو فرسخ در جلگه و دامنه کوه لنگرود امتداد یافته، پس از آن از میان پست و بلندی خاکی و در سه فرسخی از کنار مزرعه شوراب متعلق به اقبال الدوله که در بالای بلندی واقع است گذشته، در چهار فرسخی از کنار مزرعه باغ شاه ملکی سهام السلطنه در پنج فرسخی از مقابل ده انار ملکی اهل کاشان امتداد یافته، به منزل رسیده است. این راه دو فرسخ اول جلگه، سه فرسخ از وسط درّه و تپه است و فرسخ آخر در جلگه کاشان امتداد یافته است. و در صورتی که بعضی اصلاحات و تسطیح در سه فرسخ آن که پست و بلند [۱۲] و سنگلاخ است بشود، همه جا کالسکه و عراده می‌گذرد. مزرعه شوراب آب زیاد و بیدستان و زراعتی و کاروانسرای در کنار جاده دارد. خالی از صفا نیست و آخر خاک قم است. و مزرعه باغ شاه، اول خاک کاشان است. سن سن هوایی گرم، و آبی زیاد دارد و به فاصله کم در کنار راه واقع است. دو مزرعه دیگر هم به آن نزدیک است. کاروانسرا و چاپارخانه هم دارد. اردوی بزرگ اگر این مسافت را یک روزه نخواهد طی کند، مزرعه شوراب مسبوق الذکر که در میان این راه واقع

است قابل یک شب توقف اردو هست.

منزل هفتم: کاشان

و مسافت شش فرسخ است. خط راه در این منزل یک فرسخ اول در کویر، باقی در زمین بی عیب هموار امتداد دارد. در دو فرسخ و نیمی از کنار قاسم آباد و در سه فرسخی از کنار نصرآباد متعلق به جناب اقبال الدوله و از کنار مجد آباد و علی آباد و نوش آباد و قرای معتبره دیگر گذشته، به کاشان امتداد یافته است. این راه شسه طبیعی است و همه جا کالسکه و عژاده به خوبی حرکت می‌کند. نصرآباد که در نیمه حقیقی راه واقع است، از دهات معتبر کاشان و خربزه آن به لطافت معروف است. سایر دهات هم اغلب در کمال آبادی و اعتبارند و در بیشتر از مسافت این منزل در دو طرف راه آب و زراعت و آبادی دیده می‌شود. کاشان هوایی گرم دارد. ابنیه و آبادی شهر و عمارت و باغ و آب فین کاشان معروف و مستغنی از وصف است. خارج شهر کاشان از ابتدای آبادی تا انتهای آن تماماً برای حرکت کالسکه و عژاده غیر مساعد و ناهموار است. اصلاح و تسطیح آن لازم تا سهل العبور بشود. اردوی بزرگ اگر بخواهد میان منزل را شی اقامت کند، نصرآباد مسبوق الذکر استعداد توقف اردو را کاملاً دارد و در نیمه راه هم واقع است.

منزل هشتم راه معمول کاروانیان و مترددین از قهرود است که راه بیلاقی و به عذوبت ماء و لطافت هواء معروف و به کثرت انهار و اشجار موصوف است [۱۴] و مسافر به سه مرحله از قرار تفصیل ذیل به مورچه خورد می‌رسد

اول قهرود	دویم سو	سیم مورچه خورد
هفت فرسخ	شش فرسخ	هشت فرسخ

لیکن چون منازلش دور و کوهستان صعب العبور است و حرکت کالسکه و عژاده و تخت و امثال آن از این راه میسر نیست، ناچار اردوی بزرگ می‌باید از راه نطنز طی مسافت کند که در مورچه خورد به راه مسطور می‌پیوندد. لهدا گوئیم:

منزل هشتم: ابوزید آباد

و مسافت پنج فرسخ است. خط راه در جلگه کاشان امتداد یافته، در یک فرسخ و نیمی از کنار آب انباری و در سه فرسخی از کنار آب انبار دیگر، و قهوه‌خانه کوچک و در چهار فرسخی از کنار مزرعه شهریاری ملکی اولاد حاجی سید جعفر نطنزی و چند مزرعه کوچک دیگر موسوم به فخری و جز ده نو گذشته تا منزل امتداد یافته است. تمام مسافت مسطور شسه طبیعی و سهل العبور است. ریگ روان هم در این راه دیده می‌شود. لیکن آن قدر زیاد نیست که مزاحم مسافرت باشد. ابوزید آباد، تیول سید عبدالکریم خان پیشخدمت حضور همایونی است. هوایش گرم و از دهات خیلی آباد معتبر کاشان شمرده می‌شود. هفتصد خانوار رعیت و آب و زراعت زیادی دارد و کاروانسرا و حمام و دکاکن هم در آن ساخته‌اند. امام زاده هم در آن هست که بقعه و صحن لایقی دارد، لیکن لوحه تاریخ و زینت کاشی و کتیبه ندارد که

معلوم باشد بانی آن کیست. اردوی بزرگ بواسطه نزدیکی و خوبی راه در این منزل محتاج به توقف ما بین نیست. آب و آبادی‌های ما بین راه نیز استعداد توقف اردو ندارد.

منزل نهم: خالد آباد

و مسافت شش فرسخ است. خط راه در جلگه امتداد یافته، در یک فرسخی از کنار بقعه امام زاده و مزرعه کوچکی، و در سه فرسخی از کنار مزرعه دیگر و در پنج فرسخی از کنار قریه ده آباد گذشته تا منزل ممتد گردیده است. تمام راه شسه طبیعی است. حرکت کالسکه و عژاده بخوبی میسر است. بقعه امامزاده و مزرعه کوچک مسبوق الذکر واقعه در فرسخ اول راه، آخر خاک کاشان و مزرعه واقعه در سه فرسخی، اول خاک نطنز است. خالد آباد از دهات معتبر نطنز است. هوایش معتدل و دویست خانوار رعیت و آب و زراعت زیاد دارد [۱۶] اردوی بزرگ مسافت این منزل را نیز ناچار یک روزه باید طی کند مگر این که در صورت ضرورت به آب مزرعه کوچک سه فرسخی که اول خاک نطنز است اکتفا کرده، آذوقه اردو را از دهات اطراف به آنجا بیارند.

منزل دهم: نطنز [داستان شاه عباس و باز شکاری او]

و مسافت چهار فرسخ است. خط راه تا سه فرسخ در جلگه است. از آن پس از دماغه کوه نطنز گذشته و در سه فرسخ و ربع از کنار قریه خفر امتداد یافته، در پست و بلندی و سنگلاخ‌های املاک قریه خفر و نطنز تا منزل ممتد است. در اطراف راه همه جا آب و آبادی هست، و قریه خفر از دهات آباد و نامی نطنز است. مسافت این منزل به علت این که آنچه در جلگه است قدری ناهموار و آنچه در املاک و رودخانه است پست و بلند و سنگلاخ و گل و باتلاق است، عبور کالسکه و عژاده به سهولت نمی‌شود. به همین علت اردوهای بزرگ غالباً در قریه خفر که سه ربع فرسخ به نطنز فاصله دارد توقف می‌کرده است. لیکن از هوا و صفا و آبادی نطنز نمی‌توان صرف نظر کرد. لهذا هنگام عبور اردوی بزرگ لازم است تسطیح و اصلاحی از این راه بشود که ورود اردو به نطنز میسر گردد. نطنز تیول حسام السلطنه و قصبه بزرگ آبادی است و به زیادت صفا و لطافت هوا و ظرافت دکاکین و نظافت بساتین و عبور انهار و وفور اشجار امتیازی تمام دارد. و هوایش سرد است. در کوه‌های اطراف که ربع فرسخ بیشتر به قصبه فاصله ندارد، شکار کوهی و کبک و تیهو بسیار است. در قلّه یکی از کوه‌های مخروطی الشكل نزدیک قصبه، گنبدی است که چشم انداز مطبوعی دارد. اهل نطنز آن را گنبد باز می‌خوانند و از بناهای شاه عباس اول - انار الله برهانه - می‌دانند که به یادگار باز شکاری خود به جهت اتفاقی که در این حوالی برای او افتاده ساخته است، و افسانه‌ای که بین عوام معروف است و در بعضی کتابهای قصه نوشته‌اند، به این پادشاه و باز او در این گنبد نسبت می‌دهند.

مزیداً للتوضیح: افسانه مذکور که در این موقع مسطور می‌شود که مأخذ اعتقاد اهل نطنز در این ماده معلوم گردید، مبهم نماند. در کتابهای افسانه نوشته‌اند: پادشاهی در شکارگاه بازی در دست داشت. به

جهت تعاقب صیدی یا جهات دیگر از لشکر دور افتاد [۱۸] از گرمی هوا و حرکت زیاد عطش بر او غلبه کرده، تجسس آبی می‌کرد. در یکی از نقاط ما بین کوه، قلیل آبی جاری دید. جامی از آن پر کرده خواست بنوشد. باز اضطراب کرده، بال بر جام زده آب را بر زمین ریخت. پادشاه مجدداً جام را پر آب کرد که رفع عطش کند. از باز همین حرکت ناشی شد. بعد از آن که این کار تکرار یافت، پادشاه غضباناک شد. باز را بر زمین زده هلاک کرد. چون آن باز را بسیار دوست می‌داشت و به شعور او زاید الوصف معتقد بود، بعد از تفکر، تحقیق امر را از کنار آن آب قلیل مسافتی پیموده دید افعی عظیم الجثه مرده و گندیده در میان جوی آب مسطور افتاده، آن آب قلیل با کثافات آن مخلوط شده، جریان دارد. آن وقت بر تفرّس و وفای آن حیوان افسوس خورده، غم ناک شد و حکم کرد جثه آن حیوان را بالای کوه دفن کرده، به یادگار او گنبدی بر روی آن بنا کردند. عقیده اهل نطنز آن است که آن پادشاه، شاه عباس اول بوده است و آن عمل در این کوه واقع شده، و این گنبد همان گنبد است که به یادگار باز به حکم او ساخته شده، و الحق تکذیب اهالی نطنز را در این باب نمی‌توان کرد، زیرا که این عمل به کارهای شاه عباس - علیه الرحمه - می‌ماند و بیهوده سخن به این درازی نیست.

[کتیبه‌های مسجد نطنز]

مسجد جامع نطنز از بناهای قدیم است که از آجر و گچ ساخته شده و دو ایوان و یک صحن دارد. در سر درب آن مسجد که خالی از امتیاز نیست، این عبارت را از کاشی فیروزه معرق در زمینه گچ نشانده، کتیبه کرده‌اند: بسم الله الرحمن الرحيم امر بعمارات [كذا] المسجد فی المسجد المولى المعظم الصحاب الاعظم دستور ممالک العالم، ممهّد قواعد الخير و الکرّم خواجه زين الدنيا و الدين خليفه بن الحسين الماسترى بمساعى الصدر المعظم شمس الدين محمد بن على النطنزى، فى سنة اربع و سبعمائه.

ایوان رو به قبله دو کتیبه دارد: یکی در زیر دهنه طاق که ابتدای بنای این مسجد از گچ به خط نسخ متوسط بریده‌اند. وسط کتیبه که زیر طاق است از بارندگی ها خراب شده و ریخته است. دو پای طاق که باقی است. طرف راست این است: بسم الله الرحمن الرحيم: إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ [توبه: ۱۸] و طرف چپ این است: الدنيا و الدين على بن ... النطنزى سنة تسع و سبعمائه.

کتیبه دیگر که میان ایوان از گچ به خط نسخ خوب [۲۰] بریده‌اند و گویا هنگام تعمیر مسجد آن را ساخته‌اند، آیه مبارکه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ» [جمعه: ۹] تا آخر آیه است و تاریخ آن به خوبی معلوم نیست. گویا یک هزار و یکصد و هفتاد و هشت باشد. ایوان پشت به قبله زینتی ندارد. در جرز سمت راست، وقف نامه بعضی املاک که حیدر نام نجار ولد مظفر نطنزی بر مسجد وقف کرده در سنگ نقش و نصب کرده‌اند. تاریخ آن ۱۱۰۳ اسم حیدر بن مظفرالدین هم در آن جرز معلوم است.

در جرز سمت چپ، دو لوحه است. مضمون لوحه بالا این است: بنای تعمیر و سفید نمودن مسجد جامع بسعی عالیحضرت فضیلت و افادت پناه مولانا محمد باقر دماوندی و سلالة السادات و النجبایى حاجی

میرزا ابراهیم الحسینی النطنزی باتمام رسید. به تاریخ شهر ذی قعدة الحرام ۱۱۷۸ کتبه محمد علی ابن محمد سعید الحسینی النطنزی.
و لوحه پایین وقف نامه، نیم روز آب از قنات قریه رئیس است بر مسجد. تاریخ آن ۱۲۵۹.

[خانقاه شیخ عبدالصمد نطنزی]

و در جنب مسجد جامع، خانقاهی از ابنیه قدیم هست که سر درب آن از حیثیت علو و رفعت از بناهای نامی و با شکوه شمرده می‌شود، و به کاشی‌های خیلی ممتاز زینت یافته است.
جلو سر درب مسطور دو کتیبه دارد که از سمت راست شروع کرده به پیشانی سردرب برده، از سمت چپ پایین آورده‌اند. کتیبه اول از آجر تراشیده در زمینه کاشی و آجر شطرنجی شکل نشانده‌اند و خیلی ممتاز است. عبارت آن این است:

بسم الله الرحمن الرحيم: امر بعمارة هذه البقعة الميمونة المباركة صاحب المعظم وزير ممالك العالم مشيد مباني الخيرات المتوسل الى الله بأنواع القربات أضعف عباد الله المفتقر الى رحمته و رضوانه خواجه زين الدنيا و الدين شرف الاسلام و المسلمين خليفه بن الحسين بن علي الماسترى تقبل الله خيراته و أفاض السعادة و الرحمة عليه و على أسلافه و ذرياته ثم وقفها خانقاها على الفقراء الصوفية تقربا الى الله القديم و تبرعا لوجهه الكريم بمساعي شمس الدين محمد بن علي النطنزي في سنة سبع و سبعمائه^۱.
کتیبه دویم را از کاشی معرق فیروزه در زمینه کاشی لاجورد به خط کوفی معماری ترتیب داده‌اند. بعضی آیات قرآنی است و تاریخی ندارد.

در دو جرز سر درب چهار لوحه سنگ مرمر نصب است. این عبارات در آنها حجاری شده:

- ۱ - اللهم صلى على محمد المصطفى و على المرتضى و الحسن المجتبی و الحسين [۲۲]
- ۲ - الشهيد بكر بلا و على بن الحسين زين العابدين و محمد بن علي الباقر و جعفر الصادق و موسى الكاظم و على الرضا
- ۳ - و محمد التقى و على النقى و الحسن العسکرى و الحجة القائم المنتظر محمد المهدي صاحب الزمان
- ۴ - صلوات الله و سلامه عليه و عليهم اجمعين. وقف ذلك خواجه نجم الدين محمود بن عماد في سنة ۹۲۱

زیر طاق درگاه در وسط درب، مدخل خانقاه است و طرفین آن دو فخری دارد. کتیبه در بالای طاق درب مدخل و دو فخری گردانده‌اند که با کاشی معرق فیروزه در زمینه گچ به خط کوفی خیلی ممتاز آیه مبارکه *لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ* [بقره: ۲۷۳] تا آخر آیه مرقوم شده است. و کتیبه دیگر در

۱. نراقی این کتیبه را در آثار تاریخی کاشان و نطنز (ص ۲۸۱) آورده و درباره این تاریخ مطلب متفاوتی از آنچه در اینجا آمده، آورده است.

دور درب مدخل گردانده‌اند که با کاشی معرق لاجوردی برجسته در زمینه کاشی معرق فیروزه این آیات ترتیب یافته است. بسم الله الرحمن الرحيم، فی یُوتُ اَذِنَ اللهُ اَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَ الْآصَالِ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللهِ وَ اِقَامِ الصَّلَاةِ وَ اِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْاَبْصَارُ [نور: ۳۶، ۳۷]. باقی آیه ریخته است. در میان دو فخری با آجر کاشی فیروزه معرق در زمینه گچ به خط کوفی خیلی ممتاز بعد از بسم الله، سوره مبارکه قل هو الله تا آخر سوره، و بعد از آن صدق الله العظيم و صدق رسوله الکریم مرقوم گردیده است.

در داخل بقعه پای طاق گنبد، کتیبه‌ای از گچ به خط نسخ متوسط بر آورده‌اند به این عبارت بسم الله الرحمن الرحيم. قُلْ فَادْرَأْ عَنْ اَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ، وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِيْنَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللهِ اَمْواتًا بَلْ اَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ [آل عمران، ۱۶۸] و خیر بما انعم الله من فضله هذه البقعة المشرفة مزار الشيخ الزمان نورالملة و الدين عبدالصمد بن على الاصفهانی المقيم بنطنز، امر بنائها صاحب الاعظم زين الدنيا و الدين خليفه الماسترى فى سنة سبع و سبعمائه.

قبری هم در این بقعه در سمت قبله هست، و سنگی سیاه بر آن نصب است. این عبارت در آن سنگ به خط نستعلیق متوسط حجاری شده است. هو الغفور الرحيم الرحمن. اللهم صل على النبي و الولي و الحسن و الحسين و العباد و الباقر و الصادق و الجعفر [كذا] و الكاظم الموسى و الرضا و التقي و النقي و العسكري الحسن و الحجة القائم محمد المهدي الهادي الغازي صاحب الزمان، همت مصروف داشت [۲۴] عصمت پناه صالحه خديجه سلطان بنت شمش طلا در سنه ۱۰۴۵ و این آثار خیر از او باقی ماند. و ضریحی چوبین بر دو قبر مزبور کشیده‌اند. در یکی از اضلاع ضریح این عبارت به خط نسخ خوب کتیبه شده: عمل استاد حسین ابن استاد اسماعیل سرشکی النطنزی فی تاریخ سنه اربع و ستین و الف ۱۰۶۴ کتبه عبداللطیف.

و مناره رفیع و ممتاز در سمت راست سر درب خانقاه هست. در صفحه پای مناره مزبوره، این عبارت با کاشی لاجوردی برجسته به خط نسخ چلی در زمینه کاشی فیروزه در کمال امتیاز کتیبه شده است: امر ببناء هذه المنارة العالیة و الغرف الرفیعة الملك الاعظم صاحب المعظم، عدل ملوک العالم بانی قواعد الخیرات، منبع السعادات، باسط الامن و الامان، ناشر العدل و الاحسان شمس الدوله و الدین ناصر الاسلام و غوث المسلمین محمد بن ابی علی تقبل الله حسناته فی شهر سنه خمس و عشرين و سبعمائه.^۱

منزل یازدهم: ترق^۲

شارع عام در این منزل در پست و بلندی رشته کوه‌های نطنز است که فی الجمله نزدیک تر است،

۱. درباره کتیبه‌هایی که در اینجا آمده با آنچه در آثار تاریخی کاشان و نطنز (نراقی) صص ۲۷۶ - ۲۸۴ باید تطبیق‌های دقیقی صورت گیرد.

۲. تاکنون به صورت طَرَق - به فتح طاء و سکون راء - خوانده می‌شود.

لیکن از آنجا مطلقاً کالسکه و عرّاده نمی‌گذرد. اردوی بزرگ ناچار باید از راه دیگر که در دامنه همان کوه ها امتداد دارد طی مسافت کند. از این راه مسافت پنج فرسخ است. خط راه امتداد یافته است از دامنه کوه، در دو فرسخی از کنار چند مزرعه که خالی از صفا نیست و آبهای گوارا دارد گذشته، و در چهار فرسخی از پست و بلندی های سهل العبور تا منزل امتداد یافته است. تمام راه مستعد عبور کالسکه و عرّاده هست لیکن پاره‌ای اصلاح و تسطیح در بعضی پست و بلندی‌ها و سنگلاخ‌ها باید بشود که حرکت کالسکه و عرّاده، بی زحمت میسر شود.

ترق از دهات معتبر آباد و هوایش سرد و آخر خاک نطنز است. کالسکه و عراده داخل آبادی ترق بواسطه سنگلاخ بودن اوایل آبادی نمی‌شود. ابتدای باغها که نیم فرسخ به ده فاصله دارد و جای با صفای پر آب و سایه است، لایق منزل گاه اردو هست. اردوهای بزرگ، این راه را نیز یک روزه باید طی کند. میان منزل مستعدی ندارد.

منزل دوازدهم: مورچه خورد

و مسافت هشت فرسخ است. خط راه تا سه فرسخ در پست و بلندی‌های سهل العبور امتداد دارد. از آن پس در جلگه مسطح. در پنج فرسخی از کنار [۲۶] مزرعه کوچکی که قنات آبی تلخ و شور دارد، و در شش فرسخی از نزدیک دماغه کوهی خاکی گذشته تا منزل امتداد یافته است. تمام راه شسه طبیعی است. کالسکه و عراده‌های متعدد به خوبی در آن حرکت می‌کند. مزرعه کوچک پنج فرسخی که آب تلخ و شور دارد، اول خاک اصفهان است و بجز آن، آب و آبادی نزدیک یا دور به جاده مطلقاً در این هشت فرسخ نیست.

مورچه خورد از دهات نامی اصفهان و هوایش معتدل است و قریب هزار خانوار رعیت و آب و زراعت زیاد دارد. در حوالی آبادی کاروانسرای از بناهای عهد صفویه هست که در شرف خرابی و انهدام است. لوحه‌ای از سنگ سیاه در دیوار سمت راست سر درب کاروانسرا نصب است. این عبارت به خط متوسط در آن لوحه نقش است: به لعنت خدا و نفرین رسول گرفتار شود کسی که طلب مغفرت از برای نایب السلطنه مرحوم نفرستد، و دعا به دولت قبله عالم نکند. بدعتی که در مورچه خار بود به جهت تفنگچی بود. موقوف هر که یک دینار بگیرد صد دینار بدهد و نسق بشود ۱۲۵۲.

اردوی بزرگ این منزل را قهراً یک روزه باید طی کند و هرگاه ناچار باشد، ممکن است در کنار همان مزرعه کوچک که آب آن فقط برای خوردن دواب و شستن اسباب رفع احتیاج می‌کند، شبی توقف کرده، آب خوراکی و آذوقه اهل اردو از یک فرسخی و دو فرسخی به آنجا آورده شود.

منزل سیزدهم: قریه گز

و مسافت شش فرسخ است. خط راه تا یک فرسخ از میان زراعت قریه مورچه خورد ممتد است. در یک فرسخ و نیمی از کنار کاروانسرا و حمام و آب انباری از بناهای عهد صفویه و در دو فرسخی از دماغه

کوه و در سه فرسخ و نیمی از کنار قریه گرگاب گذشته تا منزل امتداد یافته است. تمام این راه شسه طبیعی است و بدون تعمیر و اصلاح همه جا کالسکه و عَرَّاده به سهولت تمام می‌گذرد. کاروانسرای واقعه در یک فرسخ و نیمی اول این راه اگرچه سنگ تاریخی ندارد که معلوم بشود بانی آن کیست، ولی معروف به کاروانسرای مادر شاه است و می‌گویند والده شاه عباس ثانی ساخته است. بنایی بس عالی و محکم و مطبوع و ممتاز است و حجاری‌های مرغوب دارد. از تمام رباط‌های [۲۸] عهد صفویه که در خطوط راه‌ها ساخته‌اند و دیده شده است، سمت برتری و رجحان دارد، با این که قطعاً از دویست سال متجاوز ساخته شده، آجری یا پارچه سنگی از آن نیفتاده است و سنگ فرش صحن آن پست و بلند نشده. امروز اگر فقط به رُفتن و آب زدن پاکیزه‌اش کنند، بیننده گمان می‌کند ده سال بیشتر نیست ساخته شده. حمام و آب انبار جنب کاروانسرا هم در کمال استحکام و امتیاز است. الحق اگر این بناها از زن باشد، کاری مردانه کرده است - رحمة الله علیها.

قریه گرگاب واقعه در سه فرسخ و نیمی از قرای معروف نامی اصفهان و خربزه آن به لطافت و خوبی معروف است.

قریه گز از دهات معتبر و هوایش معتدل و دارای هزار خانوار رعیت است. عمارات عالی با صفا در آن ساخته‌اند. کاروانسرای هم در خارج آبادی از بناهای عهد صفویه هست، در شرف خرابی است. اردوی بزرگ، مسافت این منزل را اگر نخواهد یک روزه طی کند، قریه گرگاب لایق توقف یک شب و بیشتر خواهد بود.

منزل چهاردهم: اصفهان

و مسافت سه فرسخ است. خط راه در جلگه از نزدیکی آبادی‌های متعدد تا اصفهان امتداد یافته است. در تمام این راه، عبور کالسکه و عَرَّاده به سهولت میسر است. آب و زراعت و آبادی در دو طرف راه همه جا هست. اصفهان شهری است که ابنیه عالیه و اعتبار و وسعت و آبادی آن قدیماً و جدیداً بر احدی از بزرگ و کوچک پوشیده نیست و احتیاج به توصیف ندارد. هوایش معتدل است. مسافت این منزل را اردوی بزرگ، یک روزه به خوبی می‌تواند طی نمود و میان منزل لازم خواهد داشت.

منزل پانزدهم: مرغ

و مسافت سه فرسخ است. خط راه بدو از پل خاجو و کنار قبرستان تخت فولاد گذشته، و در نیم فرسخی در پست و بلندی دامنه کوه ممتد شده، و در یک فرسخی در زمین هموار و مسطح و در دو فرسخی در اراضی کویر تا منزل امتداد یافته است. تمام این راه مسطح است و کالسکه‌رو، لیکن جزئی اصلاح و تسطیحی در پست و بلندی نیم فرسخ که در دامنه کوه است و نیم فرسخ دیگر که کویر است، لازم است بشود و آبادی نزدیک در اطراف راه نیست.

مرغ عبارت است از یک کاروانسرا [۳۰] و یک باغچه و آب متوسطی هم دارد. هوایش سرد است. جای

کم استعدادی است. برای توقف یک شب رفع احتیاج می‌شود. اردوی بزرگ، این مسافت را هم بخوبی یک روزه طی می‌تواند کرده، احتیاج به میان منزل نمی‌افتد.

منزل شانزدهم: مهیار

و مسافت شش فرسخ است. خط راه یک فرسخ در زمین هموار و فرسخ دوم از راه معمول چون در میان کوه امتداد دارد، و عبور کالسکه متعسر است. خط راه دیگر مستعد عبور کالسکه، از دامنه کوه امتداد یافته است. در ابتدای فرسخ سیم، به راه معمول پیوسته در جلگه ممتد است، و در انتهای سه فرسخ از کنار چاه آبی که چندان گوارا نیست گذشته تا منزل امتداد دارد. مسافت این منزل در صورتی که قدری اصلاح در فرسخ دوم که از کنار کوه می‌گذرد، و سنگلاخ است بشود، عبور کالسکه و عزاده به خوبی میسر است. در این راه به جز چاه آب مسبوق الذکر سه فرسخی آبادی و آب مطلقاً نیست. در کوه کنار راه، شکار کوهی هست، و در جلگه آن گله گله آهو دیده می‌شود. مهیار ده آباد و معتبری است. هوایش سرد است. باغستان و زراعت زیاد دارد. کاروانسرای عالی که به وضع مقبولی ساخته شده، از بناهای عهد صفویه است. در این ده هست. و خیابانی مستقیم عریض و طولانی که در دو طرف آن باغها بوده، و مخروبه شده است دارد و معلوم است که آبادی آن خیلی زیاد بوده است. می‌گویند قدیماً این ده تعلق به مادر شاه عباس ثانی داشته که کاروانسرای واقعه در یک فرسخ و نیمی مورچه خورد مسبوق الذکر، بنا کرده است، و این بناها و آبادی‌ها از او مانده است. اردوی بزرگ اگر تمام مسافت این منزل را یک روزه نخواهد طی کند، در کنار چاه آب میان منزل که آذوقه از اطراف در آنجا آماده نمایند، یک شب به عسرت می‌تواند توقف نمود.

منزل هفدهم: قمشه

و مسافت پنج فرسخ است. خط راه در جلگه است. در دو فرسخی با رودخانه مهیار تقاطع کرده، از آن پس در اراضی سنگلاخ امتداد یافته، در چهار فرسخ و نیمی از کنار بقعه شاه رضا گذشته، به منزل ممتد گردیده است. مسافت امروز به واسطه سنگلاخ بودن برای عبور کالسکه و عزاده تسطیح و اصلاح باید بشود تا سهل العبور گردد. آب قنات و رودخانه در این راه زیاد است، و آبادی کم بقعه شاه رضا در سینه کوه و مشرف [۳۲] به زمین هموار پر آب و زراعتی است و خالی از صفا نیست.

قمشه قصبه معمور و آبادی است. هوایش سرد و دارای سه چهار هزار خانوار رعیت و کاروانسرا و دکاکین است. مسجدی از بناهای قدیم دارد، و بانی آن معلوم نیست که بوده است. اردوی بزرگ، مسافت این منزل را یک روزه می‌تواند طی نمود. در صورت ضرورت، در کنار رودخانه دو فرسخی که آذوقه از اطراف به آنجا آورده بشود، اقامت یک شب اردو ممکن است.

منزل هیجدهم: مقصود بیک

و مسافت چهار فرسخ است. خط راه امتداد یافته است در جلگه مسطح ما بین دو کوه و از کنار قراء و مزارع متعدد تا منزل ممتد گردیده است. این راه هموار و شسه طبیعی است. کالسکه و عرّاده به سهولت می‌گذرد و همه جا آب و آبادی دور و نزدیک به راه هست.

مقصود بیک قریه کوچکی است. هوایش بشدت سرد است که چهل روز از عید نوروز گذشته در آنجا شب آب یخ بست. آب و زراعت زیاد دارد. کاروانسرای غیر لایقی هم دارد. در کوه‌های سمت شمال آن که نیم فرسخ به آبادی فاصله دارد، شکار پلنگ و خرس و بز و میش می‌گویند هست. اردوی بزرگ این منزل را یک روزه به خوبی قطع می‌کند و محتاج به میان منزل نیست.

منزل نوزدهم: ایزدخواست

و مسافت شش فرسخ است خط راه ممتد است. در جلگه وسیع کویر مانند که از دو طرف به فاصله دو سه فرسخ تقریبی کوه نمودار است. در سه فرسخی از کنار قریه امین آباد گذشته تا منزل امتداد یافته است. این مسافت اگرچه در بارندگی به علت کویر بودن گل و باتلاق خواهد شد، لیکن در خشکی برای عبور کالسکه و عرّاده خیلی مساعد است، و در راه به جز امین آباد مسبوق الذکر، آبادی و آب نیست. و امین آباد قریه بزرگی است. آخر خاک اصفهان است. کاروانسرای مسدس که بنای آن از سنگ و گچ و آجر شده و ازاره آن از سنگ سیاه تراشیده، مرتب گردیده با یک مسجد و حمام از بناهای عهد صفویه در آن هست که بانی آن معلوم نیست که بوده است.

ایزدخواست ده بزرگ آباد معروف بلکه قصبه‌ای است هوایش سرد و اول خاک فارس است. خانه‌های آن در بلندی، و مشرف به درّه پرزراعتی است که رودخانه کم آبی هم در وسط آن درّه می‌گذرد، و وضع آبادی آن شبیه است به قریه لاسجرد [۳۴] سمنان. می‌گویند کریم خان زند در اول طغیان با یکی از خوانین پرتایفه و بضاعت همدست شده، معاهده کرده بودند که اگر کاری از پیش بردند یکی امیر و دیگری وزیر باشد. بعد از آن که بر شیراز مستولی شده، به اتفاق به طرف اصفهان می‌رفتند. در این منزل ایزدخواست هم عهد خود را که رقیب می‌دانست، برای رواج کار خود غفلتاً از بالاخانه که منزل داشتند، به میان درّه انداخت که فوراً هلاک شد و کریم خان به مقصود خود نائل گردید. کاروانسرای بزرگ در میان درّه مزبور از بناهای عهد شاه عباس اول هست. کتیبه سردر آن با کاشی معرق به خط نسخ خوب ترتیب یافته، تاریخ آن ریخته است و آنچه برجاست به این مضمون است: قال الله تبارک و تعالی: ولایة الاکرم مروج مذهب ائمة المعصومین کلب آستان علی بن ابی طالب عباس الحسینی الموسوی الصفوی بهادرخان خلد الله تعالی ملکه و سلطانه و افاض علی العالمین برّه و احسانه. باقی که تاریخ است ریخته شده، چیزی برجا نیست. اردوی بزرگ اگر مسافت این منزل را یک روزه نخواهد طی کند، امین آباد نیمه راه برای میان منزل خوب است.

منزل بیستم: شولجستان

و مسافت شش فرسخ است. خط راه در اراضی هموار مسطح تا منزل امتداد یافته است. تمام این مسافت شسه طبیعی است. کالسکه و عزاده به خوبی حرکت می‌کند. در راه جز یکی دو خرابه قراول خانه مانند بی‌آب آبادی نیست. چیزی که در این مسافت یافت می‌شود فقط هیزم و خاشاک صحرایی است. آهو هم در این راه زیاد است.

شولجستان قریه‌ای است متوسط پنجاه شصت خانوار رعیت و زراعت خیلی و آب قناتی که گوارا نیست، دارد. هوایش سرد است. کاروانسرای هم که از بناهای عهد صفویه است، دارد. رو به خرابی است. اردوی بزرگ ناچار این منزل را یک روزه باید طی کند، زیرا که در راه مطلقا جایی لایق میان منزل ندارد، اگرچه فقط به آب اکتفا شود.

منزل بیست و یکم: آباد

مسافت پنج فرسخ است. خط راه در صحرای مسطح و جلگه وسیع بی‌آب و علف ممتد گردیده. پس از آن در سر دو فرسخی راه [۳۶] از کنار دهات و مزارع متعدد گذشته تا منزل امتداد دارد. تمام این مسافت شسه طبیعی است و عبور کالسکه و عزاده به خوبی میسر است. در بین راه بعد از دو فرسخ آب بسیار است.

آباده قصبه بزرگ آباد، و مرکز حکومت بلوک آباده و اقلید و هوایش سرد است. دارای عمارات عالیه و کاروانسرا و دکاکین و باغ و بساتین زیادی است و آب بسیار و هوا و صفای خوب دارد. و جعبه و میز و صندلی و قاشق شمشاد که در آنجا می‌سازند، کمال امتیاز را دارد و به اطراف ارمغان می‌فرستند. اردوی بزرگ اگر مسافت این منزل را نخواهد یک روزه طی کند، در نیمه راه، دهات لایق توقف یک شب هست.

منزل بیست و دویم: [اقلید]

اگرچه راه راست و شارع عام در این منزل به قریه سرمق ممتد است، و منزل گاه حقیقی آنجا و چهار فرسخ است، اما خوبی آب و هوا و صفای اقلید که از راه معمول خارج است، عابرین را گاهی مجبور می‌کند که به اقلید رفته، شبی بمانند، و روز دیگر به سرمق بروند.

بناء علی هذا می‌گوییم: منزل بیست و دویم اقلید. و مسافت چهار فرسخ است. خط راه در جلگه امتداد یافته، در دو فرسخی از کنار کوه و پست و بلندی سهل العبور تا منزل ممتد است. تمام این مسافت مسطح و مستعد عبور کالسکه است. لیکن بعضی از راه سنگلاخ است که لازم است اصلاحی در آن بشود. ربع فرسخ به منزل مانده به واسطه رودخانه و کوه، حرکت کالسکه متعسر است که آن ربع فرسخ را تا منزل می‌باید سواره طی کرد.

اقلید قصبه معتبر آباد و معروفی است. هوایش سرد و آب های بسیار خوش گوار و باغهای باصفای دل

گشا دارد. در لطافت هوا و گل های خودرو و خضارت و رودخانه و اشجار شبیه به آهار و اوشان رودبار طهران است که در پشت کوه البرز واقع شده. در این خط راه شیراز هیچ منزلی هوا و صفای اقلید را ندارد. مسجد جامعی دارد که اهالی را عقیده آن است که عمر بن عبدالعزیز ساخته است. لیکن به خطا رفته‌اند. دو لوحه در آن مسجد نصب کرده‌اند: یکی بالای سردرب مسجد نصب شده، مربع مستطیل است. مربعی هم در وسط لوحه تشکیل داده‌اند و به خط نسخ خوب این عبارت را از چوب بر آورده‌اند که خط از زمینه [۳۸] برجسته است. عبارت دور لوحه این است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. إِنَّمَا يَعْمرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ [توبه: ۱۸]. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: إِذَا مَاتَ بَنُ أَدَمَ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ: صَدَقَةٌ جَارِيَةٌ أَوْ عِلْمٌ يَنْتَفَعُ بِهِ أَوْ وَلَدٌ صَالِحٌ يَدْعُو لَهُ. صدق الله و صدق رسوله.

مربع وسط: قد استحدثت هذه العمارة المباركة المسجد الجامع اقلید العبد الحقير أضعف عباد الله الملك الجليل، عبدالعزیز بن احمد بن عقيل أصلح الله [كذا] و رحم أبائه و غفر ذنوبه، تحريراً فی منتصف ربيع الأول سنة تسع و اربعين و سعمائه.

لوحه دیگر در دالان نصب شده، سنگ سیاهی است و به خط نستعلیق وسط پاره‌ای اشعار غیر فصیح در مدح مرحوم میرزا حسینعلی میرزای فرمانفرما در آن نقش شده که این مسجد را وقتی به حکم او تعمیر کرده‌اند، در خط و شعر و قدمت امتیازی ندارد. اردوی بزرگ مسافت این منزل را یک روزه بخوبی می‌تواند طی نموده و احتیاج به میان منزل نیست.

منزل بیست و سیم: سرمق [قصور هفت گانه بهرام گور]

و مسافت سه فرسخ است. خط راه امتداد دارد از زمین هموار در کنار رودخانه در یک فرسخ و نیمی از کنار مزرعه کوچکی ملکی مسیح الملک طبیب حضور همایونی گذشته تا منزل امتداد یافته است. این مسافت قدری سنگلاخ است که فی الجمله تسطیح بشود عبور کالسکه و عراده به خوبی میسر است و در تمام مسافت آب رودخانه هست. سرمق ده آباد پر آب و زراعتی است. هوایش سرد است و باغات هم زیاد دارد. می‌گویند سرمق یکی از قصور هفت گانه بهرام گور است که نظامی - علیه الرحمه - در هفت گنبد شرح داده است، و مخصوصاً این ده را گنبد سیاه می‌دانند که دختر پادشاه هند را در آن جا داده بود و آن دختر برای بهرام قصه شهر سیاه پوشان را که از داستان‌های شیرین هفت گنبد است، بیان کرده و می‌گویند به جهت همین که گنبد سیاه بهرام آنجا بود، این آبادی قدیماً به سرمه مسمی شده، و معرب کرده سرمق گفته‌اند.

و نیز می‌گویند تمام هفت گنبد در همین حوالی در نقاط مختلف بوده است که هر یک به دیگری چهار پنج فرسخ فاصله داشته است و علامت‌های [۴۰] بعضی از آنها حالا هم هست و مخصوصاً دو گنبد سرخ و زرد آن در بیلافت ایل قشقای که در این نزدیک است، بوده. مکان آن دو را با این که تل خاکی است و آبادی هم ندارد، فعلاً هم قصر زرد و قصر سرخ می‌نامند که اگر چنین باشد قطعاً اقلید هم یکی از قصور

هفت گانه بهرام بوده است، زیرا که در این صفحات، هیچ نقطه هوا و صفای آنجا را ندارد. اردوی بزرگ را در قطع این مسافت احتیاج به میان منزل نیست.

منزل بیست و چهارم: خون خوره

مسافت هفت فرسخ است. خط راه بدو امتداد دارد در زمین مسطح، در سه فرسخی از کنار کوه گذشته و در شش فرسخی در پست و بلندی سهل العبور تا منزل امتداد یافته است. تمام راه شسه طبیعی و کالسکه و عزاده به سهولت می‌گذرد. در این مسافت مطلقاً آب و آبادی نیست. در ارض [کذا. صح: عرض] راه جز هیزم صحرائی چیزی دیده نمی‌شود.

خون خوره آبادیش منحصر است به یک باغچه کوچک و یک چاپارخانه و یک کاروانسرای مخروبه بسیار کثیف از بنای عهد صفویه که حُجرات آن قابل سُکنای اواسط الناس هم نیست. زمین حیاط و طولی‌اش تا زانوی اسب، گل و کثافت دارد. هوایش سرد بی‌مزه و خنکی است، و بارندگی بی‌موقع زیاد دارد. در اکثر اوقات بادهای شدید طوفانی که برادر اکبر و ارشد باد دامغان است، بشدت می‌آمد که یخدان و مفرش بسته را از جا کنده، به صحرا می‌پراند و هیچ چادری را بر جا نمی‌گذارد، چنان که پنجاه روز از عید نوروز گذشته، اردوی نواب مستطاب اشرف امجد اسعد افخم اکرم والا شاهزاده رکن الدوله به آنجا فرود آمده بود؛ از اوّل ورود که چهار ساعت به غروب مانده بود تا صبح دیگر که اردو حرکت می‌کرد اتصالاً رعد در غرش و برق در نمایش بود. باد و طوفان چادرها را پاره می‌کرد و تگرگ و باران مردم را آواره می‌نمود. جریان باران از هوا و سیلان سیل در زمین بشدت شد که گفتی رک آسمان گشوده‌اند و از دریای عمان به این زمین راه گشاده‌اند. واقعه طوفان نوح بر مردم معاینه گردید. ائین المفرّ می‌گفتند [۴۲] و پناهگاهی نمی‌جستند و شب تا صبح اوقات مهتر و کهتر آقا و نوکر صرف رد کردن آب و جمع آوری اسباب بود و فرصت خورد و خواب نیافتند. با این همه آب محتاج الیه این منزل بسیار قلیل و غلیظ است و آذوقه را هم عند الضروره از قصبه اقلید باید به اینجا آورد. به هر حال منزلی است نالایق و بی‌استعداد و از ناچاری و بیغوله بودن حوالی آن به مصداق مثل عوام که گفته‌اند جایی که گوشت نیست چقدر [کذا] سالار است، اینجا منزل گاه شده است. سابقاً چنان گمان می‌رفت اسم این منزل خان خُره است، یعنی کاروانسرای خُره، و شیرازیان چنان که عادت دارند غالباً در کلمات همزه را قلب به واو کرده تلفظ می‌کنند. مثل جان که چون می‌گویند و امان که امون، این منزل را هم خون خُره می‌نامند و مقصودشان خان خُره است، لیکن به تجربه معلوم شد که در این مورد این طور نیست اصلاً، باید این منزل را خون خوره نام نهاده باشند، زیرا که مسافر در این منزل خون می‌خورد تا بگذرد. ای کاش دولت علیّه متمولین اهل فارس را مجبور می‌کرد که در این منزل کاروانسرای، اگرچه از خشت خام باشد، می‌ساختند و کاروانسرای مخروبه عهد صفویه را هم تعمیر می‌کردند که مایه آسایش جماعت زیادی را در این منزل ابد الدهر فراهم فرموده باشند، و این نام نیک و بنای خیر از این دولت علیّه پایدار بماند. اردوی بزرگ مسافت این منزل را با این که زیاد است، ناچار باید یک روزه طی کند، زیرا که تمام مسافت بیغوله و نقطه لایق توقف ندارد.

منزل بیست و پنجم: ده بید

و مسافت پنج فرسخ است. خط راه در پست و بلندی‌های خاکی سهل العبور تا منزل امتداد دارد. در تمام این مسافت کالسکه و عَرَّاده بخوبی حرکت می‌کند و مطلقاً در عرض راه آب و آبادی نیست. ده بید هوایش سرد و آب و زراعت قلیلی و باغچه کوچک با چند اطاق رعیتی و چمنی دارد. چند اطاق گنبدی ایلاتی هم در سمتی ساخته‌اند که لایق سُکنا نیست. چارخانه هم در آنجا هست. چند اطاق و باغچه هم تلگرافچی‌های انگلیس در آنجا ساخته‌اند. [۴۴] یکی دو مزرعه غیر قابل هم به فاصله ربع فرسخ در دو سمت ده بید دیده می‌شود، و آبش بقدر کفایت هست. لیکن آذوقه اینجا را هم می‌باید از اطراف فراهم نمایند. این منزل اگرچه برادرزاده یا بنی عم خون خوره است، ولی هرچه هست از آنجا خیلی بهتر است، زیرا که اگر منزلگاه کم دارد بعضی شکاف‌ها هم در کوه مجاور آن هست که در سختی باد و بارندگی به آن غارها می‌توان پناه برده، آسوده ماند. کاروانسرای هم از بناهای عهد صفویه در ده پیداست. در خرابی و کثافت و نالایقی مثل کاروانسرای مسبوق‌الذکر واقعه در خون خوره است. سنگی سیاه در سر درب کاروانسرا نصب شده است. این مضمون و اشعار در آن سنگ برجسته حجاری کرده‌اند.

الله ولیّ التوفیق.

ولی سلطان غلام شاه طهماسب
که باشد در پناه لطف معبود
بدین خوبی عمارتها که بینی
برای خیر همت کار فرمود
امیر المؤمنین بنهاد طرحش
غلام خویش را سرکار فرمود
نشان ختم نامش گفت هاتف
علی بیگ حسینی ابن محمود
اگر پرسند تاریخ بنایش
بگو در نهصد و هفتاد و دو بود

اردوی بزرگ، مسافت این منزل را هم ناچار یک روزه باید بپیماید، زیرا که راه بیغوله است و هیچ آبادی ندارد که توان در آن توقف نمود.

منزل بیست و ششم

راه معمول قوافل و عابرین، راه مشهد است که نزدیک‌تر و به سه منزل از قرار تفصیل ذیل:

منزل اوّل خان کرگان: چهار فرسخ

منزل دوم مشهد: چهار فرسخ

منزل سیم: سیوند هفت فرسخ

به سیوند می‌رسد. لیکن ما بین خان گرکان و مشهد و همچنین ما بین مشهد و سیوند خط راه در کوه‌ها و رودخانه‌های صعب العبور امتداد یافته، و بیشتر از راه جنگل است. عبور کالسکه و عَرَّاده بلکه تخت و کجاوه ممکن نیست. لِهَذَا از شرح و بسط آن راه صرف نظر کرده، فقط به بیان چند علامت قدیمی که ما بین مشهد و سیوند است، اکتفا کرده، به راه مقصود رجوع می‌نماییم.

یک فرسخ و نیم از مشهد گذشته، در بالای تپه بلندی، تختی از پارچه‌های سنگ سفید رنگ تراشیده ترتیب داده‌اند که شصت ذرع در شصت ذرع، سطح آن است. ضلع سمت جنوب شکم دریده است، یعنی دو سر این ضلع ده ذرع پیش آمده [۴۶] و وسط پس است. طرف شرقی این تخت به تپه وصل هست. سه طرف دیگر که شمالی و غربی و جنوبی باشد، دوازده ذرع از سطح زمین ارتفاع دارد. پارچه‌های سنگ فُطراً یک ذرع و طولاً از سه ذرع تا شش ذرع است. از بناهای قابل نظر و تعجب‌آور است و معلوم نیست که بالای آن عمارتی بوده است یا فقط تختی ساخته‌اند و بانی آن معلوم نیست که کیست. اهالی آن را تخت سلیمان می‌گویند و گمان می‌کنند بانی آن سلیمان نبی [ع] بوده و پارچه‌های سنگ‌ها را دیو بر روی یکدیگر نصب کرده است و این تخت مشرف است بر جلگه وسیعی که در سمت جنوب آن است و میان جلگه در چند نقطه علامت عمارت عالی شبیه به بناهای تخت جمشید هست که یک ستون آن برپا و بعضی حجاری‌های عمارات نیز برجاست. در یکی از جزرها شبیه ملکی ایستاده، به اندازه انسان حجاری کرده‌اند که بالهای گشوده دارد، و سه چیز شبیه به بطری که در سینی باشد بالای سر گرفته، لطافت پرهای نازک مَلک را در حجاری نموده است. در دو مدخل عمارت که دیوارهای سنگی آن به ارتفاع نیم ذرع باقی است، صورت اشخاص چند را در اندازه طبیعی به قطار ایستاده، ساخته‌اند. حالا پاهای آنها در آن نیم ذرع دیوار باقی مانده دیده می‌شود. اختلاف و تفاوت ناخن‌های اشخاص را در حجاری معلوم کرده است. صنعت حجاری این ابنیه دقیق‌تر و معجب‌تر از حجاری‌های تخت جمشید است. لیکن این قدر معلوم است که این دو بنا در عصرهای نزدیک بهم ساخته شده و از عجایب عمارات و ابنیه دنیا بوده است. در یک سمت این جلگه، مقبره‌ای است از پارچه‌های سنگ سفید بزرگ ساخته شده، شش پله احاطه به چهار ضلع مقبره دارد که سه پله آن هر یک، یک ذرع ارتفاع دارد و سه پله دیگر هر یک نیم ذرع. این مقبره از خارج طولاً شش ذرع و عرضاً چهار ذرع است. سقف آن از سه پارچه سنگ به شکل شیروانی پوشیده‌اند. فضای وسط سه ذرع در دو ذرع است و زمین آن را هم با سنگ تراشیده، فرش کرده‌اند. علامت قبری ندارد و خواص، آن را مشهد امّ النَّبی و عوام قبر مادر سلیمان می‌گویند [۴۸] و معتقدند بر این که مقبره مادر سلیمان است،^۱ اما به خطا رفته‌اند. نه آن ابنیه از حضرت سلیمان است نه این مقبره مادر سلیمان. و معمار هیچ یک هم دیو نبوده است. بناها از یکی از سلاطین بزرگ قدیم دنیا بوده است و به قوت علم ساخته شده. مقبره هم قبر اسلامی است، در اندرون آن سمت قبله محراب دارد و در اطراف محراب به خط نسخ آیات قرآن حجاری کرده‌اند. در عهد حضرت سلیمان هنوز خط نسخ

۱. همان جایی که اکنون به مقبره کورش مشهور شده است.

نبوده، و قرآن نازل نشده بود. در یکی از سنگهای خراب شده و افتاده اسم عضالدوله به خط نسخ خوب دیده شد. سنگهای مقبره و دیوارهای محیط آن بی ترتیب منصوب شده. گمان می‌رود که این مقبره در عهد عضالدوله دیلمی به حکم آن پادشاه از سنگ‌های اسقاط شده یا اسقاط کرده آن عمارات عالیه قدیمه که موجود بوده، برای یکی از علما یا عرفا ساخته شده باشد که آن پادشاه به او اعتقادی داشته است، و به فاصله ربع فرسخ از این بناها راهی از کنار کوه به عرض دو ذرع و طول هزار ذرع تقریبی و ارتفاع پنج ذرع در سنگ سخت سیاه گشاده‌اند که آن هم از کارهای عجیب سلاطین بزرگ قدیم خواهد بود. اکنون به راه مقصود رجوع کرده، گوییم:

منزل بیست و ششم: عباس آباد

و مسافت شش فرسخ است. خط راه در پست و بلندی‌های خاکی تا منزل امتداد یافته است. در تمام راه کالسکه و عژاده به سهولت می‌گذرد. آب و آبادی در راه نیست. عباس آباد ده آباد معتبری است. اردوی بزرگ این مسافت را باید یک روزه طی کند. میان منزل نیست و الا باید راه را کج کرده، شبی در کنار کاروانسرای خان گرکان مسبوق الذکر توقف کرده، روز دیگر به عباس آباد برود.

منزل بیست و هفتم: قادر آباد

و مسافت پنج فرسخ است. خط راه در پست و بلندی‌های خاکی تا منزل ممتد است. در این مسافت نیز کالسکه و عژاده به خوبی حرکت می‌کند، ولی آب و آبادی ندارد. [۵۰] قادر آباد، ده آباد معتبری است. اردوی بزرگ ناچار است این مسافت را یک روزه طی کند. میان منزل ندارد.

منزل بیست و هشتم: علی آباد

و مسافت شش فرسخ است. خط راه بدو در پست و بلندی و در چهار فرسخی از میان درّه تا منزل امتداد یافته است. مسافت امروز در سمت راست، اکثر راه کوه و جنگل و درخت بادام و غیره است. و دو فرسخ آخر که میان درّه امتداد یافته است، قدری سنگلاخ است، برای عبور کالسکه و عژاده قدری اصلاح بشود، سهل العبورتر می‌شود. علی آباد متعلق به جناب قوام الملک است، و ده معموری است. اردوی بزرگ اگر مسافت این منزل را نخواهد یک روزه طی کند، در میان راه که آذوقه از دهات اطراف بیارند، توقف ممکن است.

منزل بیست و نهم: سیوند

و مسافت پنج فرسخ است. خط راه امتداد یافته، از جلگه پایین دو کوه و در دو فرسخ و نیمی از کنار قریه قصرالدشت، ملکی مؤتمن الملک گذشته، و در سه فرسخ و نیمی به دو نقطه رودخانه که پل ندارد، تقاطع کرده، در چهار فرسخی از کنار قوام آباد ملکی جناب قوام الملک که کاروانسرای معتبر و باغ مشجر

هم دارد و در چهار فرسخ و نیمی با رودخانه که پلی هم دارد، تقاطع کرده، به منزل امتداد یافته است، راه مسطح و عبور کالسکه و عژاده به خوبی میسر است، لیکن در دو نقطه از رودخانه باید پل بسته شود و در همه جای این راه آب هست.

سیوند از دهات معتبر فارس متعلق به جناب صاحب دیوان است. اردوی بزرگ اگر این منزل را یک روزه نیپماید، قصرالدشت نیمه راه، مستعد میان منزل است.

منزل سی ام: تخت جمشید

و مسافت پنج فرسخ است. خط راه در زمین هموار به طور نیم دایره از دامنه رشته‌های کوه تخت جمشید، ممتد گردیده. از کنار قراء سیدون و فاروق و هشتایجان و حسن آباد گذشته به منزل امتداد دارد. در این راه آب و آبادی و زراعت همه جا هست. عبور کالسکه و عژاده بواسطه سنگلاخ بودن قدری از این راه، به عسرت می‌شود. اصلاح و تسطیحی مختصر لازم دارد. راه مستقیم دیگر هست که در دو جا از آب باید گذشت. اگر جزئی اصلاحی در سنگلاخ‌های آن شده، دو پل هم بر آن بسته شود، این منزل یک فرسخ و نیم نزدیک‌تر خواهد شد. در کنار این راه مستقیم [۵۲] به فاصله نیم فرسخ در سینه کوه صفحه‌ای چند از حجاری‌های قدیم هست که به غلط معروف به نقش رستم شده، وضع حجاری آنها شهادت می‌دهد که دو قسم حجاری است و در دو عهد ساخته‌اند. یک قسم آن که بالاتر است چهار صفحه است از کوه به قلیل فاصله از هم ترتیب داده، در همه آنها صورت جمشید و تخت او، سلام عام او و ملک رب النوع بالای سر او بعینها مثل دو صفحه بالای تخت جمشید ساخته‌اند، و درگاه کوچکی هم در هر صفحه هست. صنعت حجاری آن ممتاز و از جنس حجاری‌های تخت جمشید است. می‌گویند دخمه اموات آن عصر است.

یک قسم دیگر چهار صفحه دیگر است که حجاریش ممتاز نیست و نزدیک به زمین ترتیب یافته است. صورت بعضی سلاطین و اجزای ایشان را در حالت جنگ و صلح و لطف و غضب ساخته‌اند. عمل حجاری و وضع لباس و اسب و اسباب این صورت‌ها دلالت می‌کند که از پادشاهان ساسانی باشند. در مقابل این صورتهای، برخی مربع از سنگ تراشیده که خالی از امتیاز نیست، ساخته شده، می‌گویند کعبه زردشت است.^۱ تخت جمشید از تالو، مثل خورشید معروف نزدیک و دور است. زبان و قلم از توصیف آن معذور، اینک آب زیاد دارد و آبادی ندارد. یکی دو قریه نزدیک به آن هست، آبادتر، قریه کناره است که منزلگاه مردم آنجاست. اردوی بزرگ اگر مسافت امروز را یک روزه نخواهد طی کند، دهات مابین راه با صفا و لایق منزلگاه هست.

۱. شرحی درباره نقوش متنوع آن را بنگرید در: اقلیم پارس، محمد تقی مصطفوی، ص ۳۷ - ۴۱.

منزل سی و یکم: زرقان

و مسافت پنج فرسخ است. خط راه در زمین هموار ممتد گردیده، در نیم فرسخی از کنار کناره، و در دو فرسخ و نیمی با رود کربال که پل مسمی به پل خان بر آن بسته شده، تقاطع کرده، در چهار فرسخ و نیمی در چمن و باتلاق که مسافتی از آن سنگ فرش کرده‌اند تا منزل امتداد یافته است. در این مسافت همه جا آب و زراعت دیده می‌شود. در سنگ فرشها و باتلاق‌های آخر راه قدری اصلاح و شن ریزی لازمست که کالسکه و عرّاده به سهولت حرکت کند. زرقان هوایش معتدل و قصبه آبادی است، ملکی جناب صاحب دیوان. آب جاری و آب چاه زیاد دارد. اردوی بزرگ در کنار رود کربال میان منزل می‌تواند نمود.

منزل سی و دوم: شهر شیراز

و مسافت پنج فرسخ است. خط راه از میان درّه سنگلاخ، در دو فرسخ و نیمی از کنار کاروانسرای مسمی به باجگاه، و در چهار فرسخی از کنار مزرعه اکبر آباد، احدائی جناب قوام الملک و ربع فرسخ به شهر مانده از زیر طاق قرآن معروف به هفده من گذشته، در خیابان احدائی مرحوم [۵۴] حسینعلی میرزای فرمانفرمای فارس تا شهر امتداد یافته است. مسافت این منزل سنگلاخ و عسر العبور است. برای حرکت کالسکه و عرّاده تمام پنج فرسخ باید ساخته شود. آبادی در راه نیست. لیکن آب همه جا هست. شهر شیراز با توصیفاتى که شیخ سعدی و خواجه حافظ - علیهما الرحمه - کرده‌اند، محتاج به تعریف نیست. اما این قدر تصریح می‌شود که صفا، و جلوه خارج شهر شیراز را کمتر ولایتی دارد. اردوی بزرگ، این مسافت را اگر یک روزه طی ننماید، در باجگاه میان منزل اردو ممکن است.

باب دوم

در تعیین بعضی خطوط راه‌ها و منازل
از شهر شیراز به سمت گرمسیرات فارس
مبنی بر پنج فصل:

فصل اول در بیان خط راه و منازل عرض راه از شیراز به بهبهان

و آن ده منزل است:

منزلگاه اول ده شیخ

و مسافت چهار فرسخ است. راه دو فرسخ در جلگه و دو فرسخ در درّه و تپه ممتد است. این راه آنچه در جلگه است آب و آبادی همه جا هست. و آنچه در درّه و تپه است آب هست. لیکن آبادی نیست. جزئی اصلاحی در درّه و تپه آن بشود، همه جا کالسکه و عرّاده می‌گذرد و شکار پلنگ و کبک و تیهو و بز و میش دارد.

ده شیخ بیلاق و قریه کوچکی است. ده خانوار رعیت دارد. برای اردوی بزرگ آذوقه باید از شهر شیراز به آنجا برده شود. میان منزل کاروانسرای مخروبه در نیمه راه از بناهای خوانین قشقایی هست که در ضرورت آذوقه از شهر به آنجا باید فراهم بشود.

منزلگاه دوم: خان زنیان

مسافت چهار فرسخ است. راه تماماً در تپه و درّه سنگلاخ امتداد یافته. این راه سه فرسخ اول آبادی و آب ندارد. در فرسخ آخر، بعضی دهات در اطراف راه دیده می‌شود و آب هم دارد. کوههای اطراف همه جا جنگل است. برای عبور کالسکه و عرّاده اصلاح کلی باید بشود. شکار خوک و کبک زیاد دارد. خان زنیان بیلاق و ده آبادی است. در کنار رود موسوم به قرا آقاج واقع شده. دویست خانوار رعیت دارد. بعضی دهات هم در اطراف آن هست. میان منزل قابل مابین راه نیست.

منزلگاه سوم: دشت ارژن

مسافت سه فرسخ است. راه یک فرسخ، اول در درّه و تپه و دو فرسخ دیگر در گردنه امتداد دارد. در این راه آبادی مطلقاً نیست. لیکن همه جا آب هست. عبور عرّاده و کالسکه از این راه بواسطه گردنه ممکن نیست [۵۶] شیر و پلنگ و شکار کوهی در این راه گاهی دیده می‌شود. دشت ارژن بیلاق سخت و ده آبادیست. آب خوب و سیصد خانوار رعیت دارد. میان منزل در این راه نیست.

منزلگاه چهارم: میان کتل

مسافت سه فرسخ است. راه یک فرسخ و نیم در جنگل دشت ارژن و یک فرسخ و نیم دیگر در گردنه سخت امتداد یافته است. این راه آبادی ندارد. عبور عرّاده و کالسکه در این منزل هم ممکن نیست. و شکار شیر و خوک و بز و میش می‌توان کرد. میان کتل هوای معتدل دارد. آبادیش منحصر به یک کاروانسرای سنگی مخروبه است. آب کمی هم دارد. هنگام توقف اردو آذوقه باید از دهات کازرون به اینجا آورده شود. میان منزل ندارد. احتیاجی هم به آن نیست. راه نزدیک است.

منزلگاه پنجم: نودان

مسافت هفت فرسخ است. راه امتداد دارد در درّه و تپه. در این مسافت آبادی نیم فرسخ و یک فرسخ دور از راه هست و حرکت عرّاده و کالسکه ممکن نیست. و شکار قوچ و میش و تیهو دارد. نودان هوایش معتدل و چمنه آبی و دویست خانوار دارد. میان منزل در آبادی‌های دور از راه ممکن است بشود.

منزلگاه ششم: نور آباد

مسافت هشت فرسخ است. راه امتداد دارد. در جنگل بلوط و در سه فرسخی از گردنه کوچکی مسمی به نعل شکن گذشته، به منزل ممتد گردیده است. این مسافت همه جا آب و آبادی و چادر احشام دارد. حرکت کالسکه و عراده در آن امکان ندارد. شکار خوک و بز و میش و درّاج دارد. نورآباد معتدل الهوا و ده آبادی است. چهار صد خانوار رعیت دارد. میان منزل هم در آبادی‌های عرض راه میسر است.

منزلگاه هفتم: چال موره

مسافت شش فرسخ است. راه در پست و بلندی و فرسخی بیشه امتداد یافته است. در این مسافت رودخانه زیاد است. و در هر دو فرسخ، آبادی هست. حرکت کالسکه و عراده در این منزل نیز ممکن نیست. پلنگ و خوک و بز و میش در این راه هست. احتمال بودن شیر هم در بیشه می‌رود. چال موره معتدل الهواست. آب خوب و بیست خانوار رعیت دارد. اطرافش هم آبادی هست. میان منزل در آبادی‌های عرض راه ممکن است بشود. [۵۸]

[پوشیده نماند راه کازرون نیز همین راه است و از میان کتل جدا شده، به کازرون می‌رسد. مسافت آن پنج فرسخ است. فرسخ اول در زمین هموار و فرسخ دوم در گردنه سخت مسمی به کتل دختر از آن پس در یک آبگینه که پل کوچک خرابی است گذشته، سه فرسخ دیگر در زمین هموار تا منزل امتداد دارد. این راه یک فرسخش که در کتل دختر است برای عبور کالسکه متعسر است، در باقی ممکن است. کازرون از شهرهای قدیم و معروف است. کاروانسرا و دکاکین دارد. باغ نظر آن به خوبی مشهور ایران است.]^۱

منزلگاه هشتم: باشت

و مسافت سه فرسخ است. راه در تپه و درّه و بیشه و یک گردنه کوچک امتداد دارد. در این راه، چشمه آبی و چادر بعضی احشام از طوایف قشقایی هست. باشت معتدل الهواست و ده آباد بزرگی است. آب زیاد هم دارد. میان منزل در این راه احتیاج نمی‌شود. مسافت زیاد نیست.

منزلگاه نهم: دو گنبدان

و مسافت شش فرسخ است. راه بد و یک فرسخ در گردنه مسمی به گردنه باشت و از آن پس تا منزل در درّه و تپه امتداد دارد. این مسافت در یک فرسخ و نیمی و دو فرسخی آب دارد. و در یک فرسخ دور

۱. داخل کروه در حاشیه افزوده شده است.

از راه آبادی هم هست.

دو گنبدان هوای گرم و دویست خانوار رعیت و آب خوب دارد. میان منزل در آبادی‌های دور از راه میسر است.

منزلگاه دهم: بهبهان

مسافت شش فرسخ است. خط راه، دو فرسخ در درّه و تپه پس از آن در جلگه و در سه فرسخی با رود عظیمی که مسمی به رود خیرآباد است، و پلی بر آن بسته شده، تقاطع کرده به منزل ممتد گردیده است. این مسافت، آب همه جا هست. آبادی و چادر احشام یک فرسخ و دو فرسخ دورتر از خط راه هست. کنار رود خیرآباد بسیار با صفاست و از رودخانه تا منزل کالسکه و عژاده حرکت می‌کند. شکار کبک و تپهو هم دارد.

بهبهان از شهرهای معروف قدیم است. دو هزار خانه دارد. اطراف آن نرگس زار بسیار و شکارگاه‌های خوب دارد. هوا و صفای زمستان آنجا را کمتر ولایتی دارد. میان منزل در کنار رود خیرآباد مسبوق الذکر ممکن است بشود.

فصل دوم در بیان خط راه منازل راه از شیراز به بوشهر و آن یازده منزل است

منزلگاه اول: خان خبیس

مسافت چهار فرسخ است. خط راه دو فرسخ در زمین هموار، و دو فرسخ در درّه و تپه امتداد یافته به منزل رسیده است. این راه، آب در اکثر نقاط هست و در تمام راه کالسکه و عژاده حرکت می‌کند. خان خبیس ده بیلاق خوش آب و هوایی است. ده دوازده خانوار رعیت دارد. هنگام توقف [۶۰] اردو آذوقه باید از بلوک سیاخ و دارنجان آورد. میان منزل بواسطه نزدیکی منزل محتاج الیه نیست. [پوشیده نماند، از شیراز به بوشهر دو راه دیگر دارد. یکی کارزون و خشت و کمارج می‌گویند و به جهت اینکه نزدیک‌تر است، راه معمول مسافر و قوافل آن است؛ لکن گردنه‌های صعب العبور دارد. حرکت کالسکه در آن ممکن نیست. و یکی دیگر راه فیروزآباد می‌گویند. آن هم گردنه سخت دارد. لکن اصلاحات کلی ممکن است کالسکه و عژاده به زحمت از آن بگذرد.....سهل العبور^۱]

منزلگاه دوم: چنار فاریاب

مسافت چهار فرسخ است. خط راه تماماً در درّه تپه خاکی تا منزل امتداد یافته است. این راه نیز در اکثر نقاط

۱. داخل کروش در حاشیه افزوده شده است. چند کلمه قبل و بعد از «سهل العبور» خوانا نیست.

آب دارد، لیکن آبادی ندارد و کالسکه و عَرّاده از آن می‌گذرد و شکار کبک و تیهو و پلنگ و میش نیز دارد. چنار فاریاب، قریه بیلاقی است. صد خانوار رعیت دارد. دهات دیگر هم در نزدیکی آن هست. توقف اردو در آنجا بخوبی ممکن است. میان منزل بواسطه قُرب مسافت محتاج الیه نخواهد شد.

منزلگاه سیم: مزخون

مسافت پنج فرسخ است. خط راه در درّه و تپه و جنگل تا منزل امتداد یافته است. این راه نیز آب همه جا دارد. لیکن آبادی نزدیک به راه ندارد. برای عبور کالسکه و عَرّاده لازم است اصلاح و تسطیح کلی بشود تا سهل العبور گردد. مزخون هوای معتدل و صد خانوار رعیت و آب خوب دارد. میان منزل در آبادیهای نیم فرسخ از خط راه دور ممکن است بشود.

منزلگاه چهارم: سیرزجان

و مسافت پنج فرسخ است. خط راه یک فرسخ در گردنه سخت، و باقی در درّه و تپه و کنار رودخانه تا منزل امتداد دارد. این راه نیز آب رودخانه در اکثر راه هست. لیکن آبادی ندارد. عبور کالسکه و عَرّاده در این راه متعسر است. در صورتی که اصلاح کلی بشود از گردنه کالسکه را خالی ممکن است ببرند. شکار درّاج هم دارد. سیرزجان هوایش گرم است. دویست و پنجاه خانوار رعیت دارد. چند مزرعه دیگر هم نزدیک به آن هست. استعداد چند روز توقف اردو را دارد. میان منزل آبادی نیست. مگر این که به آب اکتفا شده. آذوقه از جای دیگر آورده شود.

منزلگاه پنجم: خانیک

مسافت پنج فرسخ است. خط راه چهار فرسخ در جلگه مسطح و پس از آن از گردنه کوچک گذشته تا منزل امتداد یافته است. این راه آب و آبادی و چادر احشام قدری دورتر از خط راه زیاد هست. در صورتی که اصلاح جزئی در فرسخ آخر آن که گردنه است بشود، کالسکه و عَرّاده در همه جا بخوبی [۶۲] می‌گذرد. کبک و تیهو و درّاج هم دارد. خانیک هوایش گرم است. قنات آب خوبی و چند باغ و یک صد خانوار رعیت دارد. میان منزل در دهات دورتر از خط راه ممکن است بشود.

منزلگاه ششم: فراش بند

مسافت پنج فرسخ است. خط راه در جلگه مسطح و قلیلی در درّه و تپه امتداد دارد. این راه، آب و آبادی مطلقاً نزدیک به راه ندارد. یک فرسخ دورتر از راه بعضی آبادیها دارد. در صورت اصلاح حرکت کالسکه

و عرّاده میسر است.

فراش بند هوایش گرم و قصبه بزرگ آبادی است. دو هزار خانوار رعیت و نخلستان زیاد دارد. میان منزل ندارد مگر بعضی آبادی‌های دور از راه.

منزلگاه هفتم: بوشکان

مسافت هشت فرسخ است. خط راه در سنگلاخ و گردنه سخت ممتد است. این راه آب و آبادیش منحصر است به یک چاه آب سه فرسخی. شکار بز و میش هم دارد. عبور کالسکه و عرّاده بعد از اصلاح کلی به عسرت ممکن می‌شود.

بوشکان هوایش گرم و چند مزرعه هم به او نزدیک است. سیصد خانوار رعیت آنها است. میان منزل ندارد مگر در کنار چاه مسبوق الذکر سه فرسخی که آذوقه از اطراف بیارند.

منزلگاه هشتم: کلمه

مسافت پنج فرسخ است. خط راه در درّه و تپه سنگلاخ ممتد است. این منزل آب و آبادی ندارد. عبور کالسکه و عرّاده از آن بعد از اصلاح کلی به اشکال ممکن است. کلمه بلوکی است هوای گرم و سیصد خانوار رعیت دارد. میان منزل مطلقاً در این راه میسر نمی‌شود.

منزلگاه نهم: ننیزک

مسافت هشت فرسخ است. خط راه از هفت تله، در درّه و تپه خاکی امتداد دارد. این راه آبادی ندارد. در سه فرسخی یکی دو چاه آب هست. عبور کالسکه و عرّاده، بعد از اصلاح ممکن است. ننیزک هوایش گرم است. آب جاری و سی خانوار رعیت دارد. میان منزل در کنار چاه‌های مسبوق الذکر ممکن است که آذوقه از اطراف بیارند.

منزلگاه دهم: احمدی

مسافت پنج فرسخ است. خط راه در جلگه مسطح امتداد دارد. این راه در یک فرسخی آبادی‌ای دارد مسمی به خوشاب، و در سه فرسخی آبادی دیگر دارد [۶۴] موسوم به عیسیوند و شسه طبیعی است. عبور کالسکه و عرّاده در آن به خوبی میسر است. شکار آهو هم دارد. احمدی هوایش گرم است. آب چاه بد طعم و شوری و دویست خانوار رعیت دارد. میان منزل در قریه عیسیوند ممکن است بشود.

منزلگاه یازدهم: شهر بوشهر

و مسافت شش فرسخ است. خط راه در جلگه مسطح ممتد است. این راه آبادیش منحصر به قریه چغاوک است که در دو فرسخی است. عبور کالسکه و عرّاده بخوبی میسر است. شهر بوشهر هوای بسیار

گرم دارد و شهر متوسط است. آب شیرین از چاه بهمنی به اینجا آورده می‌شود. میان منزل منحصر به قریه چغاوک است که در دو فرسخی این راه است.

فصل سیم:

در بیان خط راه و منازل عرض راه از شیراز به فیروز آباد و آن چهار منزل است:

منزلگاه اول: ده نو

مسافت چهار فرسخ است. خط راه در جلگه امتداد دارد. این راه آب و آبادی همه جا دارد. کالسکه و عرّاده به خوبی حرکت می‌کند. شکار آهو هم بسیار دارد. ده نو هوایش معتدل عمارت خوب و باغ و پنجاه خانوار رعیت دارد. میان منزل بواسطه نزدیکی راه محتاج آیه نیست. در صورت ضرورت، ما بین راه آب و آبادی هست.

منزلگاه دوم: کوار

و مسافت شش فرسخ است. خط راه در جلگه امتداد یافته است. در این راه آب و دو آبادی است و کالسکه و عرّاده به خوبی حرکت می‌کند. کوار هوایش معتدل، ده آباد و معتبری است. پانصد خانوار رعیت دارد. میان منزل در آبادی عرض راه ممکن است بشود.

منزلگاه سیم: خواجه

مسافت پنج فرسخ است. خط راه در کوههای سخت امتداد یافته است. در این راه آب و آبادی هست. عبور کالسکه و عرّاده در آن میسر نمی‌شود. شکار درّاج و غیره زیاد دارد. خواجه هوایش گرم است و قریه آباد بزرگی است. دویست خانوار رعیت دارد. میان منزل در ما بین راه در چند نقطه ممکن است.

منزلگاه چهارم: فیروز آباد

مسافت شش فرسخ است. راه در کوره و گردنه و تنگه که [۶۶] رود عظیم از میان آن می‌گذرد امتداد یافته است. این راه آب همه جا دارد، اما آبادی ندارد. در طغیان آب عبور از رود مسبوق الذکر هم مشکل است. عبور کالسکه و عرّاده در این راه متعسر است. شکار از هر قسم بسیار دارد. فیروز آباد قصبه بزرگ آبادست و ایلخانی‌های سابق ایل قشقایی در آنجا عمارات خوب بنا کرده‌اند. هوایش گرم است و دهات هم در اطراف آن زیاد است. میان منزل در عرض راه ممکن است، در صورتی

که به آب اکتفا شده و آذوقه را از جای دیگر بیارند.
[پوشیده نماند از فیروز آباد به بوشهر هفت منزل و به گله‌دار چهار منزل است.]^۱

فصل چهارم

در بیان خط راه منازل آن از شیراز به جهرم و آن هفت منزل است:

[ذکر خط راه و آب و آبادی و غیره این دو منزل در اصل فصل سیم مشروحا شده که احتیاج به تکرار
مطلب نخواهد بود.]^۲

منزلگاه اول ده نو: مسافت چهار فرسخ است.

منزلگاه دوم کوار: مسافت شش فرسخ است.

منزلگاه سیم: اسماعیل آباد

مسافت شش فرسخ است. خط راه از کنار رودخانه در اراضی پست و بلند امتداد دارد. این راه همه جا
آب دارد. لیکن آبادی راه منحصر است به قریه آسمان جرد که در دو فرسخی است. شکار خوک و بز و
میش در راه هست. در صورتی که مختصر اصلاحی و تسطیحی از راه بشود کالسکه و عزّاده در همه جا
حرکت می‌کند.

اسماعیل آباد هواپش معتدل و قریه با صفایی است. پنجاه خانوار رعیت دارد. میان منزل در قریه
آسمان جرد، ده فرسخی ممکن است. در جای دیگر نزدیک به راه آبادی ندارد.

منزلگاه چهارم: شهر خفر و باب النار

و مسافت شش فرسخ است. خط راه تماماً در جلگه امتداد دارد. این راه همه جا آب و آبادی دارد. به
جزئی اصلاح و تسطیح از همه جا کالسکه و عراده می‌گذرد. شکار کبک و تیهو هم دارد. شهر خفر و باب
النار متصل به یکدیگر هستند. هوای آنجا بسیار گرم و پانصد خانوار رعیت دارد. میان منزل در وسط راه
همه جا هست.

منزلگاه پنجم: آسمان جرد

مسافت پنج فرسخ است. خط راه در تپه و درّه خاکی امتداد یافته است. این راه در همه جا آب و آبادی
هست. در صورت اصلاح و تسطیح کالسکه و عزّاده در آن حرکت می‌کند. شکار بز و میش و کبک دارد.

۱. داخل کروه در حاشیه افزوده شده است.

۲. داخل کروه در حاشیه افزوده شده است.

آسمان جرد هوایش خیلی گرم است. آب رودخانه و دویست خانه وار رعیت دارد. میان منزل [۶۸] در عرض راه در دو سه نقطه ممکن است.

منزلگاه ششم: کاروانسرای مخک

و مسافت پنج فرسخ است. خط راه در درّه و تپه خاکی و سنگلاخ ممتد است. این راه در هر دو فرسخ چشمه آبی دارد. آبادی دورتر از خط راه هم هست. در صورتی که اصلاح از راه بشود، کالسکه و عرّاده هم از آن می‌گذرد. و شکار کبک و تیهو دارد. مخک هوایش گرم است. آب خوب و کاروانسرای مخروبه دارد. میان منزل در کنار آبها که آذوقه از اطراف بیارند، ممکن است. [پوشیده نماند از چهارم تا گله‌دار هفت منزل و تا لار شش منزل و تا بندر عباس ده منزل و تا بندر لنگه دوازده منزل است.]^۱

منزلگاه هفتم: جهرم

و مسافت شش فرسخ است. خط راه در درّه و تپه خاکی تا منزل امتداد دارد. این راه در دو فرسخ اول و دو فرسخ آخر، آب و بادی هست. و دو فرسخ وسط راه، آب و آبادی ندارد. برای حرکت کالسکه و عرّاده اصلاح و تسطیح در آن لازم است بشود. شکار بز و میش و کبک و تیهو دارد. جهرم شهر آبادی است. هوایش گرم و آب خوب و یک هزار خانوار رعیت دارد. میان منزل کنار آبهای عرض راه ممکن است.

فصل پنجم

در بیان خط راه منازل از شیراز به داراب

پژوهشگاه و آن ده منزل است:

منزلگاه اول: پل فسا

و مسافت سه فرسخ است. خط راه در جلگه مسطح تا منزل امتداد دارد. این راه آب و آبادی زیاد دارد و شسه طبیعی است. حرکت کالسکه و عرّاده در آن بخوبی میسر است. شکار آهو در این راه بسیار است. پل فسا هوایش گرم است. منزلگاه با صفایی است. عمارت و خانه در آن نیست. در چادر بسر باید برد. میان منزل به واسطه نزدیکی راه لازم نمی‌شود.

۱. داخل گروه در حاشیه افزوده شده است.

منزلگاه دویم: مهارلو

مسافت پنج فرسخ است. خط راه در جلگه مسطح امتداد دارد و نیمه آخر آن از کنار دریای نمک گذشته، به منزل رسیده است. این راه آب و آبادی ندارد و شسه طبیعی است. اگر قدری اصلاح در بعضی نقاط آن که سنگلاخ است بشود کالسکه و عرّاده به سهولت می‌گذرد. شکار آهو زیاد دارد. مهارلو هوایش معتدل است و ده آبادی است. سیصد خانوار رعیت دارد. اما آبش گوارا نیست. می‌گویند گوگرد دارد. میان منزل در این مسافت نیست.

منزلگاه سیم: خیرآباد

و مسافت پنج فرسخ است. خط راه در جلگه که فرسخ اول [۷۰] سنگلاخ است باقی کویر امتداد یافته. این راه آبادی مختصر دارد. آب شور مابین راه هست. و شسه طبیعی است. کالسکه و عرّاده به خوبی می‌گذرد و شکار آهو هم زیاد دارد. خیرآباد ده کوچکی است. پنجاه خانوار رعیت دارد. آذوقه این منزل را از اطراف باید آورد. میان منزل لایق ندارد.

منزلگاه چهارم: سروستان

مسافت پنج فرسخ است. خط راه در جلگه مسطح تا منزل امتداد دارد. در این راه آب و آبادی همه جا هست. و شسه طبیعی و کالسکه و عرّاده به سهولت در آن حرکت می‌کند. شکار آهو هم دارد. سروستان هوایش معتدل است و آب گوارا و آبادی معتبر دارد. میان منزل ما بین راه در همه جا هست.

منزل [گاه] پنجم: میان جنگل

مسافت پنج فرسخ است. خط راه تا دو فرسخ در اراضی مسطح و پس از آن در درّه و تپه خاکی تا منزل امتداد یافته است. این راه آب دارد. لیکن آبادی ندارد و پس از فی الجمله اصلاح و تسطیح همه جا کالسکه می‌گذرد. میان جنگل، هوایش معتدل است. چشمه آب و کاروانسرای دارد. آذوقه باید از اطراف آورده شود. میان منزل ندارد مگر در کنار آنها توقف شده و آذوقه از اطراف بیارند.

منزل [گاه] ششم: فسا

و مسافت شش فرسخ است. خط راه در درّه و تپه تا منزل امتداد دارد. این راه اغلب جنگل است. آب و آبادی در راه نیست. برای عبور کالسکه، اصلاح باید بشود. شکار کبک زیاد دارد. فسا قصبه معتبری است. هوایش گرم، عمارت و باغ و آب خوب دارد. میان منزل در هیچ نقطه از خط راه نیست. مسافت این منزل ناچار یک روزه طی می‌شود.

منزلگاه هفتم: نوبندگان

و مسافت پنج فرسخ است، خط راه در جلگه امتداد یافته است. این راه در همه آب و آبادی دارد. برای حرکت کالسکه و عرّاده هم خیلی مساعد است. نوبندگان هوایش گرم است و ده آباد و بزرگی است. میان منزل هم در ما بین راه ممکن است بشود.

منزلگاه هشتم: ششده

و مسافت چهار فرسخ. خط راه یک فرسخ در درّه و تپه خاکی. پس از آن تا منزل در جلگه امتداد دارد. آب و آبادی در همه جا هست [۷۲] عبور کالسکه و عرّاده پس از اصلاح درّه و تپه به سهولت میسر است. شکار آهو و کبک و تیهو دارد. ششده هوایش گرم و ده آبادیست. میان منزل در همه جا ممکن است.

منزلگاه نهم: مادوان

و مسافت شش فرسخ است. خط راه سه فرسخ در جلگه و سه فرسخ دیگر در تنگ دراکو و گردنه سخت امتداد دارد. این راه آب و آبادی کم دارد. عبور کالسکه و عرّاده در سه فرسخ اول ممکن و در سه فرسخ آخر محال است که باید کالسکه را خالی از راهی دیگر که در همان حوالی است به مادوان آورد. شکار کبک و تیهو دارد. میان منزل در دراکو چهار فرسخی ممکن است.

منزلگاه دهم: داراب

مسافت شش فرسخ است. خط راه در جلگه مسطح تا منزل امتداد دارد و آب و آبادی همه جا دارد. این راه اکثرش جنگل است. عبور کالسکه به خوبی میسر است. شکار کبک و درّاج دارد. داراب شهر متوسط است. هوایش گرم است. کاروانسرا و دکاکین و آب گوارا دارد. میان منزل در دهات عرض راه ممکن است.

[پوشیده نماند از داراب به فرک سبعة لار سه منزل است و تا بندر عباس شش منزل است.]^۱

خاتمه

در تشخیص پاره ای عمارات و باغات از بناهای قدیم و جدید

داخل و خارج شهر شیراز بر سیبل ایجاز

اهالی فارس با این که در هر عصر ارباب فضل و ادب در این خاک بوده است، اعتنایی به ضبط تواریخ

۱. داخل گروه در حاشیه افزوده شده است.

و علم جغرافیا نداشته‌اند، چنان که از طبقات چند از سلاطین که در فارس به استقلال سلطنت کرده‌اند و مخصوصاً شیراز کرسی آنها بوده است، در شیراز علامت و آثاری جز آب رکناباد و آب زنگی نیست. اگر بعضی خرابه‌های کهنه هم در شیراز باشد، کسی نمی‌داند چه بوده است و تاریخ و علامتی بر آن باقی نگذاشته‌اند که از آن چیزی معلوم شود.

فقط از ابنیه و عمارات و باغات عصر مرحوم کریمخان تا این عصر همایون نشانی هست. لهذا مجملی از بناها و باغها و بقعه‌ها به قدری که معلوم بوده مرقوم می‌گردد:

بناها که در داخل و خارج شهر شیراز است عمارت دیوانی

مرحوم کریمخان وکیل، یک دیوانخانه عالی بنا ساخته است که ستون‌های تالار آن به حکم شاه شهید^۱ - انار الله برهانه - حمل به تهران شده، در جلو تالار تخت مرمر [۷۴] پیا داشته‌اند و اکنون آن دیوانخانه تلگرافخانه شیراز است، و یک باغ بزرگ که یک کلاه فرنگی وسط و دو سردرب از دو طرف داشته است، یکی را حکام خراب و موقوف کرده‌اند، و یکی فعلاً مدخل باغ است. و مرحوم حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس تالاری آینه کاری مسمی به تالار کاخ بر آن افزوده، و مرحومان مؤیدالدوله و ظهیرالدوله هم بعضی اطاقها بر آن زیاد کرده‌اند.

دیوانخانه ایالت، این باغ است و یک قلعه چهار برجی هم وکیل مرحوم برای حرم خانه ساخته بود که حالا اندرون حکام فارس آن قلعه است و دو میدان مسمی به توپخانه و میدان طویله و چند باب خانه‌های کوچک برای علمه‌جات خود ساخته بود که حالا اکثر مخروبه است و اجزای ایالت منزل می‌کنند. وکیل مرحوم در سی سال سلطنت در همین عمارات مسطور که حالا برای فرمان فرمایان با شوکت فارس کافی نیست، زندگانی می‌کرده است و این عمارات اگرچه جز ازارهای مرمر و بعضی نقاشی‌های متوسط، زینت و تکلفی ندارد، اما در استحکام آن مبالغه تمام شده است که به جز سنگ تراشیده و گچ و آجر سفید چیز دیگر در آنها بکار نرفته است.

برج و باره و خندق

نیز مرحوم کریمخان وکیل، برای استحکام شهر حصار و خندقی بر دور آبادی شهر کشیده بود که دیوار حصار و بروج کلیتاً از سنگ تراشیده و آجر سفید و گچ ساخته شده بود که بعد از او شاه شهید - انار الله برهانه - بعلت این که زندیه، خاصه لطفعلی خان به استظهار آن حصار مصدر فتنه نتواند شد، حکم به تخریب حصار فرمود و مردم شهر هم آن را غیمت شمرده، به مرور آن را تصرف کرده با مصالح خودش، خانه‌ها و باغ‌های بزرگ و کوچک ساخته‌اند و حالا ربع آن باقی نیست.

۱. آقا محمد خان قاجار.

سد و پل

در سمت شمال شهر از اوّل آبادی شهر تا انتهای آن که رودخانه می‌گذرد، مرحوم کریمخان وکیل دو طرف رودخانه را از سنگ تراشیده و گچ سد بسته است که آب به شهر ضرر نرساند، و مقابل دروازه اصفهان و دروازه سعدی، دو پل از سنگ تراشیده و گچ و آجر بر رودخانه بسته است که حالا پل دروازه سعدی خراب شده و پل دروازه اصفهان استوار و پایدار است.

مسجد و حمام و غیره

مرحوم کریمخان وکیل یک مسجد و یک حمام عمومی و دو آب انبار و یک چهار بازار در داخل شهر ساخته است که به مسجد آن از زلزله خرابی [۷۶] رسیده بود و مرحوم حسینعلی میرزای فرمانفرما آن را تعمیر کرده، کتیبه های آن را هم بر هم زده به اسم خاقان مغفور - انار الله برهانه - و خودش کتیبه کرده است، و حمام آن را صاحب دیوان می‌گویند خریده است و مالک است. امروز همه دایر و در کمال رونق و آبادی است.

باغها که در خارج شهر شیراز است^۱

باغ تخت

بدواً مرحوم وکیل در سمت شمال غربی شهر به فاصله خیلی در بالای بلندی قلعه چهار برجی آجری دارای عمارات ساخته بود که سمت جنوب آن قلعه چشم اندازی دلکش داشت. شاه شهید - انار الله برهانه - در جلو ضلع جنوبی آن قلعه، تختی بسته مسمی به تخت قاجار فرمودند. در عصر شاهنشاه مبرور، حسین خان نظام الدوله در جلو آن تخت، هفت مرتبه در کمال قشنگی و زینت بسته حوضها و فوارهها در آن مراتب قرار داده، و دریاچه خیلی بزرگ در جلو مرتبهها احداث کرد که کشتی ساخته در آن انداخته بودند و عمارات و بروج خوش منظر و باغ طویل و عریض مشجر بر آن علاوه کرده، به باغ تخت موسوم نمود. در زمان آبادی یکی از باغهای خوش سیما و پر صفای عالم شمرده می شد بلکه می‌توان گفت از تمام باغهای ایران، سمت برتری و رجحان داشت، اما افسوس که این باغ بهشت آیین، در شرف انهدام است. عمارتش بی سقف و جدران و باغش خراب و ویران گردیده است.

باغ نو

مرحوم حسینعلی میرزای فرمانفرما در شمال شهر به فاصله کم باغی احداث کرده است که ضلع دیوار شرقی آن متصل به خیابانی است که از زیر قرآن معروف به هفده من تا دروازه شمالی شهر شیراز

۱. شرحی در باب باغها و بساتین خارج و داخل دروازه های شیراز در فارسنامه ناصری ج ۲، صص ۱۲۲۷ - ۱۲۳۷ آمده است. اطلاعات متن ما مکمل مطالب فارسنامه است.

که موسوم به دروازه اصفهان است، امتداد دارد. از باغ تخت فی الجمله کوچکتر است تالار بزرگ و اطاقهای تحتانی و فوقانی زیاد در ضلع شمالی باغ رو به جنوب بنا نموده که در جلو آن دریاچه بزرگ و در عقب تالار یک اندرونی که بیوت تحتانی و فوقانی زیاد دارد و حیاطهای دیگر و حمام ساخته است. این باغ جلوخان و سردرب هم دارد. ازاره جلو تالار آن از سنگ سفید رنگ است. به حجاری خوب صورت خسروشیرین و فرهاد و غیرهم را ساخته‌اند. در کتیبه این ازاره، این اشعار را به خط نستعلیق خوب بر آورده‌اند:

الا ای پژوهنده عقل و رای
 [۷۸] یکی ره به اندرز مشفق گرای
 بر این بارگاه جم آیین اگر
 ترا رتبه باشد که آری گذر
 سر خود قدم ساز در هر قدم
 میبچ از ره بندگی چون خدم
 سران اندرین آستانند خاک
 دلیران در این خاک اندیشه‌ناک
 رسوم ادب را نکو پاس دار
 مده بر خود الا تذلل قرار
 انوشه کسی کاندرین بارگاه
 بدارد طریق ادب را نگاه
 تصوّر کن این جایگه جای کیست
 بین کاین مکان طرفه مأوای کیست
 بود بزم شهزاده نامور
 خداوند بحر و خداوند بر
 چو پاس ادب را نکو داشتی
 در آن مرز تخم ادب کاشتی
 بتیزی یکی ره نظر کن نگو
 بر این طرفه احجار آئینه رو
 بسختی ز قلب بتان یادگار
 به نرمی نمودار رخسار یار
 سکندر بر آنها اگر دیده بود
 ز آئینه اکنون نشانی نبود
 پس آن گه برین ژرف دریا نگر

در آن آب حیوان هویدا نگر
کنی جرعه نوش اگر زین گلاب
نبینی رخ مرگ حتی به خواب
خرد سال تاریخ گفت این سزاست
فلک پاسبان بر در این بناست (۱۲۲۶)

دو باغچه متصل به یکدیگر هم مرحومان نایب الایاله فرهاد میرزا (حاجی معتمدالدوله) و میرزا نبی خان امیر، وصل به دیوار سمت شمال باغ نو علاوه کرده‌اند. یکی را فرهاد آباد و دیگری را امیر آباد نامیده‌اند. نایب الایاله فرهاد میرزا (حاجی معتمدالدوله) در نایب الایاله فارس در سفر اول، فرهاد آباد را به باغ نو افزوده، پنج شش اطاق تختانی و فوقانی در آن ساخته، در بالاخانه پنجدری وسط، صورت بروج دوازده گانه و کواکب فلکی را نقاشی کرده‌اند که اطاق آسمان می‌گویند. در آنجا و اطاق کوچک نمازخانه و سنگ سردر چند قطعه مدیحه مرحوم مزبور کتیبه شده. احتراز از تطویل را یک مدیحه آن محض تعیین تاریخ ایراد می‌شود، و آن این است:

در زمان شه همایون بخت
آن که کیوانش پاسبان بادا
خسرو جم نشان محمد شاه
کاسمانش برآستان بادا
شاه گیتی است تا زمین باشد
میردنیاست تا زمان بادا
تیغ خونریز او گه هیجا
آتش افروز جان ستان بادا
دست زر پاش او گه مجلس
گوهر آگین زر فشان بادا
هر برادر از او در اقلیمی
کار فرما و حکمران بادا
زان یکی نایب الایاله فارس
که خدایش نگاهبان بادا
دادگر شاهزاده فرهاد آنک
زو تن ملک را روان بادا
از کف راد و تیغ خونریزش
خطه فارس در امان بادا
ساخت این قصر آسمان فرسا

که از او آسمان نشان بادا
باغ نو بود چتون تنی بیجان
[۸۰] این عمارت در او چو جان بادا
باغ نو آسمان و این غرفه
همچو خور زیب آسمان بادا
باغ نو روضه جنان وین کاخ
زیور روضه جنان بادا
بهر تاریخ او خرد فرمود
زیب باغ نو این مکان بادا

در شهر جمادی الاول سنه ۱۲۵۸ سمت تحریر و اتمام پذیرفته است.
و میرزا نبی خان امیر نیز پس از او باغچه امیرآباد را آباد کرد و علاوه باغ نو نمود. این باغچه عمارتی ندارد و خیابان و اشجاری و دیواری دارد. اکنون تمام باغ نو و دو باغچه کوچک پشت آن خراب و ویران شده است.

باغ جهان نما

از بناهای مرحوم وکیل است. ضلع دیوار غربی آن وصل به خیابانی است که در زیر قرآن معروف به هفده من تا دروازه شمالی شهر شیراز که به دروازه اصفهان موسوم است، امتداد یافته و خیابان مسطور فاصله مابین آن و باغ نو است. این باغ، از باغ نو کوچکتر است. تقریباً چهل هزار ذرع مزروبی است. حوض خانه و کلاه فرنگی مانند در وسط و بعضی بیوتات جای نوکر و سردر در آن ساخته‌اند. بناها و چهار دیوار محیط باغ تماماً از آجر و گچ شاخه شده. باغ با صفایی است. مؤتمن الملک پسر جناب صاحب دیوان چند سال قبل از دولت علیه ابتیاع نموده حالا ملک اوست.

باغ دلگشا

از بناهای معروف^۱ عصر مرحوم کریمخان وکیل بوده است و به مرور بر آبادی آن افزوده‌اند. امتیاز عمارت عالیه و زیادی آب و اشجار و صفا و فضای آن به درجه‌ای است که ضرب المثل شده است. حالا ملکی جناب صاحب دیوان است.

باغ ناری

از بناهای نواب علیه بدرالدوله است، اگرچه عمارات آن کم است، لیکن صفای فضا و انهار و اشجار آن بسیار است و از باغهای خوب شمرده می‌شود.

۱. در اصل: معارف.

باغ ارم

از بناهای جناب حاجی میرزا حسنعلی خان نصیرالملک است. باغی طویل و عریض است. دارای عمارات عالیه ممتاز و خیابان‌های خوب و آب زیاد است. از باغهای نامی و معروف است. باغ مشیر

از بناهای مرحوم میرزا ابوالحسن خان مشیرالملک است. [۸۲] باغی بسیار وسیع است. عمارات آن بعد از وفات مشیرالملک رو به خرابی نهاده، و صفای آن کم شده است. الحال میوه‌خانه شهر است و متعلق به سلطان الحاجیه صبیّه آن مرحوم است.

باغ نواب

احداثی مرحوم میرزا علی خان بیگلربیگی نواده حاجی قوام مرحوم است و اینک تعلق به میرزا حیدرعلی خان نواب دارد که بسته به سفارت دولت بهیّمه انگلیس است. باغی است از جهت زیادی صفا و فضا و بسیاری گل و ریاحین و انهار و اشجار و مطبوعی و قشنگی بر تمامی باغات فارس برتری دارد. باغات دیگر: در اطراف شهر شیراز باغهای دیگر هم زیاد است. احتراز از تفصیل را به باغات مسطور اکتفا شد.

بقعه‌ها که در خارج شهر شیراز است

بقعه شاه میر علی بن حمزه بن موسی الکاظم علیه السلام

این بزرگوار از نواده‌های امام موسی الکاظم - علیه السلام - است. بنای بقعه معلوم نیست از کی است. لیکن مرحوم طهماسب میرزای مؤید الدوله، تعمیر خوبی از آن کرده، بر صفا و زینت و وسعت آن افزوده است و سنگ مرمری بالای سردرب مدخل طرف خیابان نصب است. این اشعار در آن به خط نستعلیق خوب کتیبه شده است.

در زمان شاه غازی ناصرالدین پادشاه
آن که شاهان را بود ایوان جاهش سجده‌گاه
حکمران ملک جم شهزاده طهماسب که هست
هم مؤید ملک را و هم مؤید از اله
داد فرمان تا کنند این گنبد عالی که هست
پایه‌اش بر پشت ماهی، سایه‌اش بر روی ماه
حبّذا زین گنبد و ایوان عالی کاندرو
زاده موسی بن جعفر ساخته آرامگاه
سال تاریخش همایون جست از پیر خرد
گفت احسنت ای سخندان شاعر با فرّ و جاه

برفزا بر دومین مصراع زیب آنگاه گوی
برفزار آسمان شد پایه این بارگاه
۱۲۷۴، کتبه العبد محمد علی.

و در سر درب مدخل طرف صحن این بقعه سنگی زرد رنگ نصب است. این عبارت به خط ریحان بسیار خوب ممتاز در آن حجاری شده است [۸۴]. می‌گویند خط ابراهیم سلطان نواده امیر تیمور گورکان است.

قیل لبراهیم علیه السلام: لِمَ اتخذک الله خلیلاً؟ قال: ما تعدیت و ما تعشیّت الا مع الضیف. کتبه ابراهیم سلطان.

بقعه شاه شجاع

این پادشاه مابین خیابان قرآن هفده من و تکیه هفت تنان در دامنه کوه چهل مقام، مدفون شده، چنان که صاحب روضة الصفا هم به آن اشاره کرده است. بقعه و سرایی داشته است. به مرور دُهور خراب و معدوم شده. مرحوم کریمخان وکیل مرّوت کرده، قبر او را تعمیر و سنگی بر آن نصب نموده است که آن قبر بجا مانده است. این عبارت به خط نستعلیق که خالی از امتیاز نیست، در سنگ قبر مسطور منقور است: هو الحیّ الذی لایموت، هذا مدفن السلطان العادل البازل المرحوم المغفور شاه شجاع المظفری و وفاته فی سنة ست و ثمانین و سبعمائنه من الهجرة کما قال العارف السالک شمس الدین محمد الحافظ علیه الرحمه «حیف از شاه شجاع» و تجدید مزاره فی شهر ربیع الثانی سنه ۱۱۹۲

بقعه رحیم خان ولد کریمخان وکیل

این جوان در عنفوان شباب وفات کرده است. لهدذا پدرش کریمخان وکیل، مقبره عالی برای او ساخته بود. اکنون خراب شده، بقعه و صحن آن منزل دراویش است. در سنگ بالای مقبره او بعد از دوازده امام در اطراف سنگ، این اشعار تاریخی به خط نستعلیق متوسط حجاری شده است:

صد حیف که خسرو جوان بخت
نیکو خلف وکیل دوران
شهزاده رحیم خان که افشاند
بر وصل عروس ملک دامان
در خورد چو این جهان نبودش
گردید در آن جهان جهانبان
از عالم چون جوان برون رفت
از پیر و جوان بر آمد افغان
مشهور نگاشت بهر تاریخ

افسوس ز خسرو جوانان (۱۱۹۱)
بالای سنگ نیز قطعه‌ای است. احتراز از تطویل را بهمان شعر تاریخ اکتفا می‌شود:
از پی تاریخ پاسخ گفت آه
نوجوان شهزاده رفت از جهان

بقعه چهل تنان

بنای آن از مرحوم کریمخان وکیل است. جای با صفایی و خانقاه درویشانست. قبر بسحاق اطعمه هم در زاویه صحن این بقعه است. معروف است که هر کسی شب [۸۶] بر سر قبر بسحاق رفته حمدی بخواند، از روح او خواهش طعامی کند، همان شب آن طعام به او می‌رسد.
یکی از اهل ذوق شیراز برای نگارنده حکایت کرد که من این مطلب را کرارا از ثقات شنیده بودم. شبی در خانه خورش قورمه سبزی و چلو داشتم. هوس نارنگی پلو کرده، بر حسب امتحان بر سر تربت بسحاق رفته، به طوری که مقرر است، حمد خوانده، استدعای نارنگی پلو کردم و مراجعت به شهر نمودم. در شهر چاتممه قراولی از ایالت در راه بود، و من نمی دانستم سربازهای آن ترک بودند. گرفتار آنها شدم و هر قدر التماس کردم و چند قران پولی که داشتم دادم، مرا رها نکردند. در سرما نگاه داشتند و مرا بسیار زدند. از گرسنگی عجز زیاد کردم که لقمه نان خشک به من بدهید. نمی‌دادند و متصل به ترکی فحش‌های خیلی رکیک به من می‌دادند. یکی از آنها چاقو و سنگی در دست گرفته، متصل چاقو را به سنگ می‌سایید و به ترکی می‌گفت: قرشمال، سن اُقری سن ایندی با شون کرم [نانجیب، حالا سرتو زیر آب می‌کنم] و من التماس می‌کردم. بعد از صدمات زیاد، صبح مرا پیش صاحب منصب خود برده، به هزار زحمت خلاصم کردند. گرسنه و تشنه به خانه آمدم. معلوم شد قورمه سبزی را هم عیال و اطفال خورده بودند. به این جهت اعتقاد زیاد به کرامت بسحاق بهم رسانیدم.

بقعه هفت تنان

بنای آن نیز از مرحوم کریمخان وکیل است. جایی دلگشا و خانقاهی با صفاست. جای درویشان و محل تفرّج اهل شیراز است.

بقعه سعدی

نیم فرسخ از شهر دور است. مرحوم کریمخان وکیل بنای کوچک قدیم آن را برداشته، به جای آن خانقاه خوبی ساخته است. قبر شیخ در اطاقی است و بر دور آن، مردم ضریح برنجی کشیده‌اند. این بقعه هم تفرّج‌گاه اهل شیراز است.

بقعه خواجه حافظ

این بقعه را هم مرحوم کریمخان وکیل بنای کوچک سابق را برهم زده، صحن و سرایی لایق و عالی ساخته است. قبر خواجه در وسط صحن اول است و از خوانین زندیه جماعتی در جوار خواجه مدفون شده‌اند. قاسم خان والی و میرزا علی محمد خان قوام الملک پدر قوام الملک حالیه هم در جوار خواجه آرمیده‌اند و برای هر یک بناهای عالی در دو طرف صحن خواجه ساخته‌اند و بقعه خواجه نیز مزار و محل تفرّج اهالی شیراز است.

[۸۸] بقعه های دیگر

در سینه کوه شمالی شیراز، بقعه است. احترازاً عن تطویل به ذکر آنها نپرداخته به همین چند بقعه اکتفا رفت.

تمت الرساله بالخیر و السعاده
فی شهر محرم الحرام ۱۳۱۰ (لوی ٹیل)

[یادداشت درباره مؤلف]

هو الله تعالى شأنه

در اوان ایالت و فرمانفرمایی سرکار نواب مستطاب اشرف امجد اسعد اکرم افخم ... شاهزاده رکن الدوله - روحی فداه - به مملکت فارس بر حسب دستور العمل و تعلیمات مخصوص ایشان این رساله به قلم این بنده نگارنده که در این سفر شرافت التزام رکاب مارک را داشت تألیف یافت. حرکت معظّم له به زاویه مقدّسه حضرت عبدالعظیم - علیه و علی جدّه و آبائه آلف السلام - یک شنبه بیست و هفتم شهر شعبان المعظّم و حرکت از زاویه مقدّسه به طرف مقصد یک شنبه پنجم رمضان المبارک و ورود به شیراز جمعه شانزدهم شهر شوال المکرّم سال همایون فال یک هزار و سیصد و نه بود مطابق لوی ٹیل. حرّره الاقلّ محمد علی منشی نایب وزارت علوم.